

تصور و اساسات موفقيت



تأليف:

ابومعاويه مولانا محمد اياز صاحب

مترجم:

فضل الله قاسمي



العلم پبليڪيشنز

تصور و اساسات

موفقیت

ابومعاویہ مولانا مفتی محمد ایاز رحمۃ اللہ علیہ

انتشارات العلم، محلہ جنگی پشاور

091-2590315

فهرست مضامین

- 5 ❁ مفهوم موفقیت
- 8 ❁ نسخه های نبوی برای موفقیت و زندگی بهتر
- 11 ❁ موفقیت چیست؟
- 14 ❁ موفقیت اما چگونه؟
- 18 ❁ اصول اساسی موفقیت
- 24 ❁ خوبی های افراد مؤفق
- 27 ❁ عادات خوب
- 28 ❁ آموختن و ترک کردن عادات
- 29 ❁ صداقت
- 29 ❁ عاجزی و فروتنی (منکسر المزاجی)
- 29 ❁ صبر
- 30 ❁ شکر کردن
- 30 ❁ شجاع باشید
- 31 ❁ قدردان باشید
- 31 ❁ ابتدا جانب مقابل را درک کنید ، سپس برای آن توضیح دهید
- 32 ❁ روند آموختن و آموزش و تلاش متداوم
- 33 ❁ تغییر مثبت با شرایط اوضاع
- 33 ❁ نیت همدلی و همکاری با دیگران
- 34 ❁ از دعا های نیک بزرگان مستفید شوید
- 36 ❁ اعتماد به نفس و یقین کامل
- 38 ❁ راه های حصول اعتماد به نفس:
- 39 ❁ زندگی منظم

- 40 خود را منظم کردن ❁
- 40 نوشتن کتابچه خاطرات ❁
- 41 ارزش وقت ❁
- 42 تعیین و معلوم کردن هدف ❁
- 44 نظریه و هدف ❁
- 44 برنامه ریزی ❁
- 46 برنامه ریزی به سه نوع می باشد ❁
- 47 ساختن چار چوب و کار گروهی ❁
- 48 کار گروهی ❁
- 48 عادت و ذهنیت مثبت ❁
- 51 تصمیم گیری دقیق و بروقت ❁
- 52 خاتمه عادت به تعویق انداختن امور ❁
- 52 چگونه عادت به تعویق انداختن را ترک کنیم ❁
- 53 عادت مطالعه ❁
- 54 انواع مطالعه ❁
- 54 مطالعه کتاب های نصاب ❁
- 54 مطالعه ادبیات ❁
- 55 مطالعه معلوماتی ❁
- 55 مطالعه برای تغییر زندگی ❁
- 56 روش مطالعه ❁
- 57 روابط خوبی برقرار کنید ❁
- 57 راه های ایجاد روابط ❁
- 59 انتخاب مربی و رهبر خوب ❁
- 59 صحت مند (سلامتی) ❁
- 60 غذا (خوراک) متوازن ❁
- 62 خواب ❁
- 63 ورزش ❁

- 64 ❁ آرامش و سرگرمی
- 64 ❁ سیر تفریحی
- 65 ❁ قیادت (رهبری)
- 66 ❁ عناصر اساسی رهبری
- 66 ❁ شجاعت غیر متزلزل
- 66 ❁ قدرت تصمیم گیری
- 67 ❁ دقت در برنامه ها
- 67 ❁ سخت کوشی و کار کردن
- 67 ❁ شخصیت دلپذیر (خوشایند ، خوش اخلاق)
- 68 ❁ شخصیت جذاب
- 69 ❁ ابراز همدردی
- 69 ❁ همیشه در جستجوی آموختن
- 69 ❁ خدمات اجتماعی
- 70 ❁ رویه مثبت
- 70 ❁ رحم دلی
- 71 ❁ تحمل
- 72 ❁ اصول اساسی بیان و رفتار خوب (حسن ...)
- 72 ❁ سه روش اساسی برای رویه خوب
- 74 ❁ راه های ساختن جایگاه در قلب مردم و مورد
- 77 ❁ چند اصول برای هم فکر ساختن مردم
- 80 ❁ رهبر شوید ! - اصول اساسی رهبریت

مفهوم موفقیت

این فطرت انسانی است که همه مردم در هر زمان و در همه فعالیت ها در تلاش موفقیت هستند. او می خواهد از همه انواع غم ها، نگرانی ها و مصیبت ها نجات یابد و در هر زمان و موقع خوشبخت و موفق باشد.

سه تصور (مفهوم):

در دنیا سه مفهوم در باره موفقیت وجود دارد:

- ۱- مفهوم غربی
- ۲- مفهوم اسلامی
- ۳- مفهوم (تصور) افراد بی کفایت و تنبل

غرب و مفکرین غرب کامیابی را فقط تا کامیابی و موفقیت دنیایی محدود کرده اند، آنها ترقی و کامیابی دنیایی را می خواهند و هدف شان است، و همین نزد ایشان مقصد زندگی و عروج انسانی میباشد. کسانی که فقط برای موفقیت و پیشرفت دنیایی تلاش می کنند و آخرت را کاملا فراموش کرده اند، قرآن کریم در مورد شان می فرماید:

﴿فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ

مِنْ خَلْقٍ﴾

[بقره: ۲۰۰]

“پس گروهی از مردم [کوتاه فکر] می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا [کالای

(اجناس) زندگی] عطا کن پس آنان را در آخرت هیچ بهره ای نیست”

متأسفانه، همین مفهوم موفقیت اکنون در جامعه مسلمان نیز در حال شکوفایی است، حتی از نظر مسلمانان عام امروز، توسعه و موفقیت دنیا همه چیز است.

نزد ما مسلمانان و دین مبین اسلام همان مفهوم موفقیت را که غرب پیش میکند نیست، بلکه وقتی اسلام می گوید "موفقیت"، این به معنای موفقیت دین و دنیا است. مفهوم "موفقیت" از نگاه اسلام و مسلمانان کمی متفاوت از مفهوم سنتی رایج در جامعه است. ما همان مفهوم موفقیت را داریم که خداوند به ما عطا کرده است؛ خداوند جل جلاله می فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

[بقره: ۲۰۱]

"و گروهی از آنان می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگاه دار"

اسلام پیروان خود را به سعادت و کامیابی هم در دنیا و هم در آخرت امر می کند و آن را یک پیروزی بزرگ می داند.

﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [توبه: ۷۲]

"این همان کامیابی بزرگ است"

برای ما مسلمانان، مفهوم "موفقیت" نجات یافتن و موفقیت در هر دو جهان است، یعنی هم در دنیا موفق باشیم و هم از در آخرت از رحمت خداوند بهره مند شویم. اسلام همچنین اصول موفقیت دنیوی و راه موفقیت در آخرت را به ما آموخته است.

مفهوم سوم، مفهوم افراد بی کفایت و تنبل است. کسانی که به دلیل بی

کفایتی، سهل انگاری، تنبلی، غفلت و بی احتیاطی در این دنیا موفقیت حاصل نمی کنند و همچنان هیچ توشه و آمادگی برای آخرت ندارند. خداوند جل جلاله در قرآن کریم در مورد چنین افراد می فرماید :

﴿حَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾

[سوره حج: ۱۱]

“دنیا و آخرت را از دست داده اند، و این است همان زیان آشکار.”

یعنی این شخص هم در دین و هم در دنیا ناکام است و در هر دو زیان را رو برو می شود. حال، شخصی که در دنیا یا آخرت ناکام می شود، خود مسئول آن است، زیرا خالق هستی اصول، قواعد، قوانین و علل موفقیت و شکست را برای همه توضیح داده است. همانطور که در قرآن کریم ذکر شده:

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ “و ما هر دو راه را به او نشان داده ایم”

خداوند جل جلاله اصول موفقیت دنیوی و روش موفقیت در آخرت را توضیح داده است، حال این انسان است که کدام راه را انتخاب و برای آن کوشش میکند، راه دنیا، آخرت و یا هر دو.

پس رمز موفقیت در اخلاص نهفته است . ثروت اخلاص از فداکاری ناشی می شود، هرچه فداکاری بیشتر شود اخلاص به همان اندازه بیشتر می شود، و قربانی از کسانی بیشتر می باشد که ظرفیت (شخصیت) بلند داشته باشد، زیرا که برای پُر شدن ظرف بزرگ علاوه بر دعا داشتن رابطه قوی با خداوند جل جلاله مهم است، در غیر این صورت، شکست به جای موفقیت به سرنوشت تبدیل خواهد شد.

نسخه های نبوی برای موفقیت و زندگی بهتر

یک فرد روستایی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد، یا رسول الله صلی الله علیه وسلم میخواهم چند سوالاتی بپرسم:
فرمودند: بلی، بگوئید.

فرد روستایی عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! من میخواهم ثروتمند باشم.

فرمودند: قانع (راضی) باش، ثروتمند خواهی شد.

عرض کرد: من میخواهم بزرگترین عالم (دانشمند) باشم.

فرمودند: تقوی دار باش، عالم خواهی شد.

عرض کرد: میخواهم شخص با عزت باشم.

فرمودند: دستان خود را در مقابل مردم دراز نکنید، با عزت خواهی شد.

عرض کرد: من میخواهم مرد خوبی باشم.

فرمودند: به مردم خیر (نفع) برسانید.

عرض کرد: میخواهم عادل باشم.

فرمودند: چیزی را که به خود می پسندی، به دیگران نیز پسند.

عرض کرد: میخواهم فرد قوی باشم.

- فرمودند: به خداوند توکل کن.
- عرض کرد: میخواهم جایگاه ویژه در بارگاه خداوند جل جلاله داشته باشم.
- فرمودند: ذکر خداوند جل جلاله را به کثرت کنید.
- عرض کرد: من رزق و روزی فراوان می خواهم.
- فرمودند: همیشه با وضو باشید.
- عرض کرد: میخواهم دعای من قبول شود.
- فرمودند: حرام نخورید.
- عرض کرد: کامل شدن ایمان را میخواهم.
- فرمودند: خوش اخلاق باشید.
- عرض کرد: میخواهم خداوند را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم، که از گناهان پاک باشم.
- فرمودند: بلا فاصله از جنابت غسل کنید.
- عرض کرد: کمبود در گناهانم میخواهم.
- فرمودند: به کثرت استغفار بگوئید.
- عرض کرد: در روز قیامت با نور قیام کنم.
- فرمودند: بالای کسی ظلم نکنید.
- عرض کرد: رحم خداوند جل جلاله را میخواهم.
- فرمودند: بالای مخلوقات خداوند جل جلاله رحم کنید.
- عرض کرد: میخواهم خداوند جل جلاله پرده پوشی مرا کند.
- فرمودند: عیب های مردم را پرده پوشی کنید.
- عرض کرد: میخواهم از رسوائی (خجالتی) محفوظ باشم.
- فرمودند: از زنا خود داری کند.
- عرض کرد: میخواهم محبوب خدا و رسول آن صلی الله علیه وسلم باشم.

- فرمودند: هر که محبوب خدا و رسولش باشد، او را محبوب خود قرار ده .
- عرض کرد: می‌خواهم بنده مطیع خداوند جل جلاله باشم.
- فرمودند: فرائض را به خوبی انجام دهید.
- عرض کرد: می‌خواهم بنده خیرخواه باشم.
- فرمودند: خداوند را طوری پرستش کنید که گویا آنرا می بینید.
- عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! چه عواملی باعث معافی گناهان خواهد شد؟
- فرمودند: اشک، عاجزی و بیماری.
- عرض کرد: چه چیزهای آتش جهنم را سرد خواهد کرد.
- فرمودند: صبر و تحمل در مقابل مصیبت های دنیا.
- عرض کرد: چه عوامل باعث سرد شدن غضب خداوند جل جلاله می شود.
- فرمودند: صدقه (خیرات) و صلّه رحمی مخفی.
- عرض کرد: بزرگترین بدی (شر یا گناه) چیست.
- فرمودند: بد اخلاقی و بخل.
- عرض کرد: بزرگترین خوبی (عمل حسنه) چیست.
- فرمودند: اخلاق خوب، تواضع (عاجزی) و صبر.
- عرض کردند: می‌خواهم از خشم و غضب خداوند جل جلاله محفوظ باشم.
- فرمودند: دست از عصبانیت با مردم بردارید.

(سنن ابن ماجه)

موفقیت چیست؟

تقریباً هر فرد در دنیا خواهش موفقیت را دارد، و میخواهد که شخص کامیاب باشد، سوال اینجا ایجاد میشود که موفقیت (کامیابی) چیست؟ ماهرین و دانشمندان تعاریف مختلفی از موفقیت دارند، به نظر ایشان مجموعه از نقاط ذیل است:

- ✧ آرامش ذهنی
- ✧ خوشحالی (خوشبختی)
- ✧ صحت خوب
- ✧ اطمینان قلبی
- ✧ شهرت
- ✧ عزت و احترام شخصی
- ✧ شناخت، (Recognition)
- ✧ در حرفه (مسلک) خود شهرت و عروج حاصل کردن.
- ✧ خانواده خوب
- ✧ حرفه مورد پسند
- ✧ مطابق پسند و دل خود زندگی را ادامه دادن.
- ✧ رهایی از خوف، پریشانی و اضطراب.
- ✧ هدف بالاتر زندگی.
- ✧ مقاصد زندگی خویش را به دست آوردن.
- ✧ خوشحالی و توسعه
- ✧ کسب تحصیلات عالی عزت النفس
- ✧ خود کفایی اقتصادی یعنی به اندازه کافی پول و ثروت داشته باشید، که به دلیل کمبود امور مالی با مشکلی روبرو نشوید.
- ✧ بلی. برای یک مسلمان کامیابی دنیا و آخرت هر دو مهم میباشد.
- ✧ از همان ابتدا اسلام آرام آرام به سمت موفقیت پیش می رفت، از سوی دیگر،

تمام کفار عرب با توان کلسعی برای نابودی اسلام داشتند. در این زمینه جنگهای زیادی صورت گرفته است، یکی از صحابه در چنین نبردی به شدت زخمی شد، نزدیک بود به شهادت برسد، در آن زمان فریاد می زد و این حرف بیان داشتند:

﴿فَرُّتُ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ﴾ "سوگند به رب کعبه که من کامیاب شدم"

برای یک مؤمن بزرگترین کامیابی این است که در راه خداوند جل جلاله جان خویش را فدا کند. به همین دلیل خالد بن ولید رضی الله عنه کسی که در بسیاری از غزوات اشتراک داشتند، کسی که هیچگاه با شکست روبرو نشده بود، و در بدن ایشان جای باقی نمانده بود که بالای آن نشانه زخم نباشد، اما در وقت آخر از چشمان شان اشک جاری بود، و غمرزه بودند که چرا در این غزوات متعددی شهید نه شدند. پس برای یک مسلمان کامیابی واقعی، کامیابی اخرت است، در حالیکه کامیابی و سربلندی دنیاوی نیز ضروری میباشد.

هر انسان تعریف مختلفی از کامیابی دارد به همین دلیل راه های حصول سکون و خوشی انسان ها نیز فرق میکند، و مقصد حیات آنها متفاوت از همدیگر میباشد. یعنی برای یک متعلم، بازی کن، سیاست مدار، دانشمند، صاحب مغازه، تاجر، عالم دین و سایر اقشار جامعه مفهوم کامیابی مختلف است.

کامیابی که سفر دوامدار است، یعنی اگر کسی در حین این سفر توقف کرد بدانید که با زوال روبرو شد، بعد از کمک کردن با مساکین محدود اگر کسی متوقف شد پس ترقی آن فرد متوقف شد، بنا بر این بعد از یک کامیابی یعنی دست آورد برای کامیابی دیگر کوشش را آغاز کنید، بعد از کسب یک مقصد برای مقصد دیگری آماده گی بگیرید، و برای مدت طولانی برنامه ریزی را انجام دهید.

کسانی که اعتماد به نفس خود را از دست می دهند، و به قدرت خداوند جل جلاله باور ندارند، یا کسانی که خود را حقیر و ضعیف می دانند، موفق نمی شوند.

حقیقت این است که در این دنیا هیچ چیزی نا ممکن نیست، اما حوصله،

امید، زحمت، اخلاص و دیدگاه داشتن مهم است.

زمانیکه یک استاد دانشکده حقوق دانشگاه شیکاگو (شیکاگو لاء سکول) بارک اوباما فیصله کرد که روزی رئیس جمهور شود، و برای حصول این مقصد کوشش شبانه روز را آغاز کرد، در آن وقت اوباما گفت که انسان مخلوق واحد است که هیچ کاری در دنیا برای آن ناممکن نیست، در این مورد یکی از دوستان او که روانشناس بود به اوباما گفت: "پنچ خوبی های خویش را به من بگوئید"

اوباما چند لحظه سکوت کرد و بعداً گفت: "اولین خوبی من، بعد از شکست، دلسرد نمی شوم (حوصله را از دست نمی دهم). خوبی دوهم، وقتی کاری را شروع می کنم، در آن وقفه نمی کنم (مسلسل آن را ادامه میدهم). خوبی سوم من، من نفسیات (روح و روان) مردم عام را مطالعه میکنم، احساسات، عواطف و نیاز های آنها را درک می کنم. خوبی چهارم من، اخلاص است، من تا امروز کسی را فریب نه داده ام، من هیچگاه وعده خلافی نکرده ام، و برای نام، شهرت و ریاء با کسی نیکی انجام نه داده ام. و خوبی پنجم من، امید است، من در حالات دشوار نیز نا امید نشده ام، رفیقان در مورد من میگویند، که من در بدترین حالات امید را از دست نمیدهم، دوستانم در باره من میگویند حتی اگر آن را به کوره (تندور) بیندازند، تلاش می کند تا با عرق خود آتش را خاموش کند"

دوست او خاموش شد، و بعد از چند لمحہ فکر کردن گفت: "حالا تو را یک تحفه خوبی ششم را میدهم" بارک اوباما خاموش نشسته بود و سوی دوست خود نگاه میکرد، او گفت: "من در عموماً در تمام رهبران جهان یک خوبی مشترکه را درک کردیم، همه شان ماهرین لبخند و سنجیدگی (جدیت) هستند، در یک دقیقه خنده میکنند و در همان دقیقه یک جدیت عجیبی بر چهره شان ظاهر میشود که فکر میکنید خبری از مرگ شان به او رسید، روزیکه تو این مهارت که عبارت است از لبخند و جدیت را آموختی، پس میتوانی یک رهبر موفق ثابت شوی" با گفتن همین جملات از کرسی خود بلند شد و پیش روی او خم شد و در حالیکه لبخند به چهره داشت گفت: "من برای موفقیت شما دعا میکنم، جناب رئیس جمهور"

موفقیت اما چگونه؟

همه دوست دارند که در رشته خود موفق شوند، اما چگونه؟

موفقیت چند اصول اساسی دارد. هر فرد موفق به طور شعوری یا غیر شعوری بالای این اصول عمل میکند.

طبق تحقیقات دانشگاه هاروارد، نقش ذهانت عالی و و تحصیلات عالیدر موفقیت و رفاه انسان فقط 15٪ است. بعد از این تحقیق اهل دانش و حکمت به این فکر هستند که چرا در ادارات تعلیمی ۱۰۰ در صد بودیجه بالای فکتوری مصرف میشود که نقش آن در موفقیت ۱۵٪ است. یا به عبارت دیگر در مؤسسات تعلیمی تعلیم و معلومات فراهم میشود، اما استعمال این علم فراگرفته را به شاگردان نمی آموزند، یعنی چیزی در مورد اصول اساسی موفقیت در مؤسسات تعلیمی گفته نمی شود، به همین دلیل نسل جوان با وجود تحصیلات عالی موفقیت چشمگیری کسب نمی کند و از خوشبختی محروم است زیرا تحصیلات عالی به تنهایی ضامن موفقیت و شکوفایی نیست، اگر نسل جوان از اصول اساسی موفقیت و همچنین آموزش عالی آگاه شود، در این صورت این نسل می تواند از موفقیت و خوشحالی برخوردار شوند.

اگر از اصول ساده مندرج در کتاب پیروی کنید، انشاءالله مطمئناً موفق خواهید شد، زیرا با پیروی از این اصول، میلیون ها نفر از قبل موفق شده اند. اصول موفقیت، هر چقدر هم عالی باشد، بی فایده خواهد بود، مگر اینکه رعایت شود یعنی بالای آن عمل شود، و شما باید این کار (عمل کردن) را انجام دهید.

پس مسئولیت موفقیت را بپذیرید، بهانه نگیرید، راحتی را کنار بگذارید و از امروز به نام خدا شروع به پیروی از این اصول کنید.

اگر این اصول را به طور مداوم دنبال کنید، موفقیت زیر پای شما خواهد بود

- انشاء الله . من به موفقیت کامل شما چنین اطمینان دارم مانند آن کودکی که با همه اهالی روستا در مزرعه (میدان) باز خارج از روستا رفتند تا از پروردگار خود برای باران رحمت دعا کند، در کُلّ مجمع فقط با آن کودک چتر بود تا در بازگشت از میدان خیس (تر) نشود، زیرا از پروردگار خود امید و اطمینان به باران داشت.

اما اگر این قوانین را رعایت نکنید، مانند گذشته خواهید بود، به همین ترتیب، قرآن و سنت حاوی بهترین اصول برای رشد و رفاه مسلمانان است. اما متأسفانه ما مسلمانان از آنها پیروی نمی کنیم، به همین دلیل در سراسر جهان تحقیر می شویم .

یک اصل مهم روانشناسی این است که اگر افراد دیگر می توانند کاری انجام دهند، شما نیز می توانید آن را انجام دهید. اگر افراد دیگر می توانند به موفقیت و خوشبختی برسند، مطمئناً شما نیز می توانید.

قبل از تلاش برای موفقیت اصول موفقیت را بیاموزید، دریابید که مردم چگونه موفق شدند، چه کاری برای موفقیت انجام دادند، سپس شما نیز همین کار را انجام دهید و تا موفقیت ثابت قدم باشید، تسلیم نشوید، و کوشش را ترک نکنید، اگر طبق آن اصول موفقیت عمل کنید نه تنها کامیاب خواهید بود، بلکه سفر برای موفقیت که در سالها طی میشود، شما آنرا در به ماه ها کاهش داده میتوانید.

جالب اینجاست که کسانی که موفقیت بزرگی کسب کرده اند از این اصول استفاده می کنند اما 91٪ آنها از اصولی که به اساس آن به موفقیت رسیده اند آگاهی ندارند. یعنی بیشتر افراد موفق دلایل موفقیت خود را نمی دانند . آنها می توانند بگویند چه کاری انجام داده اند، اما نمی توانند توضیح دهند که چرا یا چگونه این کار را انجام داده اند. مدتی پیش با یک صنعتگر موفق روبرو شدم و از او در مورد موفقیتش سوال کردم، اما او نتوانست جواب معنی دار و مشخص بدهد.

با وجود این، اگر قبل از شروع سفر موفقیت، اصول موفقیت را بدانید، سفر شما به سمت موفقیت آسان تر و مختصر خواهد بود.

حالا سوال اینجاست که اصول کامیابی چیست. در این سلسله بسیاری از مردم فکر و تحقیق کرده اند، که از جمله آنان کار اساسی را ناپلئون هیل، آمریکایی انجام داد، وی به مدت 25 سال حداقل 20000 نفر موفق و ناموفق را مطالعه کرد، وی سپس تحقیقات خود را در سال 19 8 در کتابی با عنوان (Think and Grow Rich) "فکر کن و ثروتمند شو" ارائه داد، به همین ترتیب این اولین بار بود که جهان این هنر را می آموزد که چطور یک فرد موفق می شود و دلایل شکست چیست؟ این اصول موفقیت در همه زمینه های زندگی به یک اندازه موثر است .

آیا موفقیت رابطه با تحصیلات عالی، ذهانت و هوشیاری، هنر، مهارت، زحمت کشیدن و یا قسمت دارد؟ خیر؛ چنین نیست. دانشگاه هاروارد (یک دانشگاه برجسته آمریکایی) سالها در مورد این موضوع (که چرا بعضی از مردم موفق هستند) تحقیق کرده است. طبق تحقیقات هاروارد، تحصیلات عالی، مدارج بالاتر، هوش، مهارت و هنر تنها 15٪ به موفقیت و پیشرفت کمک می کند، در حالی که رفتار و کردار مثبت 85٪ تاثیر را تشکیل می دهد.

به همین ترتیب، تحصیلات عالی یا مدرک تحصیلی تضمینی برای یک آینده درخشان و خود کفایی مالی نیست . ادیسون، بزرگترین مخترع جهان، کسی که بیش از هزار اختراعات را انجام داد، فقط سه ماه برای تعلیم به مکتب رفته است، به اساس تخمین براین تریسی، سخنران، نویسنده و تاجر برجسته آمریکایی 50٪ فارغ التحصیلان دانشگاه در ایالات متحده زیر دست (برای) افرادی کار می کنند که حتی تحصیلات ابتدائی (صنف ده) خود را انجام نداده اند. بر اساس یک گزارش نظرسنجی در ایالات متحده، ۴۰۰۰ (چهار هزار) ثروتمندترین افراد در ایالات متحده وجود دارند که سند فراغت صنف ده را با خود ندارند.

افراد موفق، مرفه و ثروتمند فقط به دلیل تحصیلات عالی شان موفق و ثروتمند نیستند. هیچ یک از 10 میلیاردر جهان (مانند هنری فورد و هوندا و ...) فارغ التحصیل دانشگاه نبودند. هنری فورد (مالک شرکت فورد موتر) و هوندا (صاحب

شرکت موتر هوندا) حتی دروازه دانشگاه را نه دیده بودند. اکثر ملیاردر های مشهور جهان دارای ذهانت و تعلیم درجه اوسط و درمیانه هستند.

عبدالستار ایده‌ی کدام سند فراغت از دانشگاه را نداشت، اما سرپرست بزرگترین اداره غیر دولتی و رفاهی در پاکستان بود، اداره ایده‌ی طیاره شخصی دارد، و در تمام شهر های کشور بخش های ان مشغول فعالیت هستند. ثروتمند ترین فرد دنیا بل گیتس فارغ التحصیل دانشگاه نیست، حتی که تعلیم بی - ای (سال چهارده یا دارالمعلمین) را نیز نا تکمیل رها کرد.

سیستم آموزشی ما دانش و معلومات را فراهم می کند اما استفاده از این دانش را به ما نمی آموزد . از اصول زندگی موفق مارا آگاه نمی سازد، به همین دلیل است که یک متخصص به زیبایی گفت که ما 100٪ منابع آموزشی خود را صرف چیزهایی (سند، معلومات و مهارت ها و غیره) می کنیم که فقط 15٪ تاثیر به آینده ای روشن و شکوفایی مالی ما دارد. به همین ترتیب، در ماه اپریل، سال 2007، یک گزارش نظرسنجی منتشر شد که در آن نام های 9500 ثروتمندترین افراد جهان ذکر شده بود که هیچ یک از آنها در رشته مربوطه خود تا درجه دکترا تحصیل نه کرده بودند. فقط فرا گرفتن علم و کسب نمودن سندهای بلند تحصیلی کمال نیست، تا روش استفاده از این علم آموخته نشود. زیرا بی فایده است.

اصول اساسی موفقیت

به هر حال، قبل از تلاش برای رسیدن به موفقیت، دانستن اصول اساسی موفقیت مفید خواهد بود، زیرا از بسیاری مشکلات و اشتباهات شما را نجات می دهد، و سفر به موفقیت را کوتاه تر و آسان تر می کند. بیایید این اصل موفقیت را از خود کنیم و مراحل موفقیت را دنبال کنیم.

چند اصول اساسی موفقیت طبق ذیل است:

فکر کنید:

قبل از رسیدن به موفقیت در مورد آن فکر کنید.

مسئولیت را قبول کنید:

برای کامیابی مسئولیت های وقت را باید قبول کنید، موفقیت خود بخود حاصل نمی شود، باید برای رسیدن به آن زحمت کشیده، و تلاش شود، شما خودتان مالک تقدیرتان هستید، کسی دیگری زندگی شما را تغییر نمی دهد.

تعیین هدف:

تصمیم بگیرید که می خواهید به چه چیزی برسید یا خلق کنید؟

آرزوی موفقیت:

هیچ موفقیت چشمگیری بدون میل و خواهش شدید به موفقیت حاصل نمی شود.

نگرش (رویه) مثبت:

نگرش مثبت رمز و کلید موفقیت است.

یقین (اعتقاد) کامل:

به توانایی ها و موفقیت خود اطمینان کامل داشته باشید .

حرفه (شغل) مورد علاقه:

هیچ کس نمی تواند بدون دوست داشتن کار و شغل خود موفق شود .

ایده (نظریه):

تنها چیزی که برای رسیدن به کامیابی نیاز شدید است داشتن یک ایده خاص است.

پذیرفتن خطر:

هیچ موفقیت مالی بدون پذیرفتن خطر به دست نمی آید.

تصمیم برای تغییر:

تصمیم گرفتن برای اینکه زندگی خود را تغییر دهید.

برنامه ریزی:

موفقیت به طور خودکار حاصل نمی شود، بلکه به برنامه ریزی نیاز دارد .

عمل:

هر چقدر طرح خوب باشد، تا زمانی که عملی نشود، موفقیت حاصل نمی شود.

زحمت (کار سخت) :

مردم کامیاب عموماً کار بیشتر نسبت به مردم ناکام انجام می دهند.

مشکلات و مسائل:

هیچ موفقیتی به راحتی حاصل نمی شود اما موانع و مشکلات زیادی در مسیر آن وجود دارد که بدون حل آنها نمی توان موفقیت را به دست آورد.

ناکامی (شکست):

هیچ موفقیت بزرگی بدون ناکامی حاصل نمی شود.

استقامت:

استقامت کلید کامیابی است، مردم موفق هیچ وقت کوشش را ترک نمی کنند.

جستجوی افراد موفق:

اگر می خواهید موفق شوید، شخصی را پیدا کنید و در مورد آن جستجو کنید که قبلاً به جایی که می خواهید شما برسید آن فرد رسیده باشد. سپس کاری را که او انجام داده انجام دهید؛ اگر او موفق شده است، انشاءالله شما هم حتماً موفق خواهید شد.

تلاش های مکرر:

افراد موفق بیشتر کار میکنند، تا اینکه توانای اینرا حاصل می نمایند که از بار مشکلات زیاد موفقانه برآیند، و این یک قاعده است که هر چه بیشتر تلاش کنید امکانات موفقیت بالا میرود، در نهایت موفق می شوید، یک دوست من که در روانشناسی دیپلوم ماستری را اخذ کرده و یک مدیر متقاعد است، بیش از ده کارهای (شغل) مختلف را انجام داده. کار رهنمای معاملات را آغاز کرد، بعد از ناکام شدن در این بخش تجارت برنج را شروع کرد، سپس در مارکیت سهام قسمت آزمائی کرد، بعد از ناکامی در اینجا با مردم معتاد به مواد مخدر کمک میکرد، در آنجا هم کامیاب نشد، بعداً میرج بیورو (دفتر ازدواج) را آغاز کرد، این کار هم چندان نتیجه خوب نداد، دوباره آغاز به کار رهنمای معاملات کرد، بالاخره کامیاب شد، حالا ایشان یک فرد کامیاب و خوشحال هستند.

هنر (مهارت):

یک مهارت را یادداشت کنید که اگر آن را به بهترین روش انجام دهید، بیشترین تأثیر را در زندگی شما خواهد داشت. این مهارت را به طور کامل توسعه دهید

اصول و مبانی آن را به خوبی آشنا شوید، و براساس آن به موفقیت برسید.

از افراد ناکام (نا موفق) پرهیز کنید:

اگر واقعاً می خواهید موفق شوید، آنچه را که افراد ناموفق انجام می دهند انجام

ندهید.

دعا:

سخت کار کنید تا موفقیت کاملاً به خود شما بستگی داشته باشد؛ و به گونه دعا کنید که همه امور توسط الله تعالی انجام می شود، و او به ما اهداء می نماید، خداوند آنچه را که شما قادر به انجام آن نیستید انجام خواهد داد.

ثابت قدمی (استقامت):

هیچ موفقیت بزرگ در زندگی انسان در یک شب حاصل نمی شود. هیچ راه کوتاه برای رسیدن به یک مقصد قابل توجهی وجود ندارد، بلکه موفقیت یک سفر است، و سفر نسبتاً طولانی.

سخاوت:

مردم کامیاب در راه خداوند جل جلاله مال شانرا خرچ میکنند، در غرب هر شخص سالانه ۱۰٪ عائد خود را در رفاه عامه خرچ میکند، خداوند متعال حداقل دو برابر آنچه را که شما در راه او خرچ میکنید به شما می دهد، در بعض موارد ده برابر می دهد، این را اصل داد و گرفت نامیده اند، عمل کردن به این اصل خیلی آسان است، اگر خوشبختی و خوشحالی می خواهید، خوشبختی بدهید، اگر نیاز به عشق دارید، عشق بدهید، به همین ترتیب اگر می خواهید به رفاه مادی برسید، از نظر مالی به دیگران کمک کنید، (آنچه را که می کارند، درو می کنند).

خدمت:

شما می توانید همه چیز را در زندگی داشته باشید، اگر به دیگران کمک کنید تا آنچه را که میخواهند به دست آورند، به عبارت دیگر، شما از طریق نحوه خدمت

به مردم در زندگی موفقیت خواهید داشت، هرچه یک فرد برای دیگران مفیدتر باشد، از موفقیت بالاتری نیز برخوردار خواهد بود.

کار مهم:

برای موفقیت ضروری است که باید همزمان یک کار را انجام دهید، روی یکی از مهمترین کارها تمرکز و توجه کنید، به هر حال خودتان نمی توانید همه کارها را انجام دهید، سپس ثابت قدم باشید تا اینکه کار مذکور را به خوبی به انجام برسانید.

نیت قوی (اراده پخته):

نیت و اراده قوی کلید موفقیت است.

زندگی افراد موفق را مطالعه کنید:

اگر می خواهید موفق شوید، در مورد موفقیت و مردم موفق بخوانید، اگر می خواهید ثروتمند شوید در مورد ثروت و افرادی که ثروتمند هستند مطالعه کنید، اگر می خواهید بهترین دانشمند، مبلغ، رهبر باشید، درباره آنها تحقیق کنید، داستانهای افراد موفق را مطالعه کنید، از موفقیت ها و شکست های افراد موفق درس بگیرید.

همیشه برای برنده شدن:

همیشه برای بردن بازی کنید، نه که باخت.

ادب و نفاست (ظرافت، پاکی):

انسان از راه تحصیل و ثروت بزرگ نمی شود، در حقیقت، انسان با ادب، ظرافت و ذهانت خوب رشد می کند و دارای جایگاه خوب در جامعه میباشد، ظرافت، لباس منظم و زیبا، وقار، جدیت و ادب مواردی هستند که بر شخصیت شما موثر است و بالای آن حساب می شود.

در شعبه کاری خود بهترین باشید:

رمز موفقیت این است که بهترین و متخصص در بخش کاری خود باشید، یعنی ماهر حرفه خود باشید، کاری را به نحوه انجام دهید که فکر شود هیچ کس مثل شما در آن کاری که می کنید وجود ندارد، امروز عصر مردم ماهر است، اگر می خواهید رشد و پیشرفت کنید و موفق باشید، باید در زمینه کاری خود بهترین باشید.

خوبی های افراد مؤفق

در مجموع همه افراد موفق دارای چند خوبی های اساسی هستند که در موفق بودن این اشخاص نقش کلیدی را اداء میکنند. از جمله آن چند خوبی طبق ذیل ذکر شده:

اعتماد به نفس:

این افراد به توانایی ها و موفقیت خود اطمینان کامل دارند.

مثبت اندیشی:

همه چیز دو طرف دارد. مثبت و منفی، افراد موفق همیشه مثبت آنرا فکر می کنند.

خود شناسی:

عملکرد ما دور خودشناسی ما می چرخد؛ هرچه خود شناسی ما بالاتر باشد، عملکرد و دست آورد ما نیز بالاتر است.

خود پُرسی (نظارت نفس):

افراد موفق بالای کار های را که انجام می دهند مکمل نظارت و کنترل دارند، و کار های را که برای کامیابی آنها باشد انجام می دهند.

عاداتهای خوب:

کامیابی در حقیقت نتیجه عادت های میباشد، مردم موفق با ایجاد و انجام عادات خوب نسبتاً به آسانی به کامیابی میرسند.

اضافه کاری بدون معاوضه (مزد):

افراد کامیاب همیشه بیشتر از معاوضه، توقع و ضرورت کار میکنند، نه تنها کار زیاد، بلکه بهتر و با خوشی دل کار میکنند، به همین ترتیب، آنها به خود و کار خود ارزش و قیمت می بخشند، در دنیا کسانی که مطابق مزد و یا کمتر از آن کار میکنند کامیاب نمی شوند.

متخصص رشته:

هیچ کس تا وقتی نمی تواند موفق باشد مگر اینکه در زمینه کاری خود متخصص و ماهر باشد، مردم موفق در رشته کاری خود از بهترین ها میباشند.

استفاده اعظمی از وقت:

مردم موفق از وقت به نحوه خوب و مطابق یک تقسیم اوقات استفاده میکنند، و هیچگاه وقت شانرا ضائع، و کار های خود را ملتوی نمی کنند.

همکاری با دیگران:

هیچ کس به تنهایی نمی تواند موفقیت بزرگی کسب کند. برای موفقیت بزرگ ما به همکاری دیگران نیاز داریم.

روابط حسنه:

مردم کامیاب روابط حسنه و خوشگوار با سایر افراد جامعه برقرار میکنند.

قدرت تصمیم گیری:

افراد موفق به زودی تصمیم می گیرند، اما به تأخیر در آن تغییرات می آورند.

حل مسائل:

افراد موفق صلاحیت بهتر حل مسائل را دارا میباشند.

سوال کردن:

حتی مادر بدون پرسیدن یا گریه کردن کودک به او شیر نمی دهد، به همین ترتیب افراد کامیاب برخلاف افراد عادی، آنها از پرسیدن سوالاتی که در مورد چیزی نمی دانند دریغ نمی کنند.

به نحو بهترین کار را انجام دادن:

افراد موفق کاری متفاوت از مردم عادی انجام نمی دهند، همان کار را به روش های مختلف انجام می دهند. یعنی این افراد کارهای خارق العاده ای نمی کنند، بلکه کارهای معمولی را به شکلی خارق العاده، و عالی انجام داده، ارائه می کنند.

سخت کوشی و تلاش متداوم:

افراد موفق همه کارهایی را که برای موفقیت لازم است انجام می دهند، به سخت کوشی و پشتکار اعتقاد دارند، در حالی که افراد ناموفق آماده بیرون آمدن از راحت طلبی خود نیستند، از انجام دادن محنت خود داری میکنند.

عادات خوب

شخصیت و کردار ما اساساً آمیزه ای از عادات ماست. برای کامیابی باید نوع خاصی از انسان ها باشید، در حقیقت انسان مجموعه از عاداتی است آنرا انجام میدهد، برای رسیدن به موفقیت باید برخی از عادات کنار گذاشته (ترک) شود، و برخی از عادت های خوب پذیرفته شود. کامیابی در اصل نتیجه عادت های خوب است؛ و برعکس ناکامی نتیجه عادات بد، "عادت یا بهترین خادم میباشد، یا بدترین آقا".

با توجه به تحقیقات معاصر روانشناسی، ۹۵٪ از هر کاری را که انسان در زندگی خود انجام می دهد، بستگی به عادات آن شخص دارد. افراد موفق دارای عادات خوب، در حالیکه مردم ناکام شکار عادات بد هستند، آموختن و عملی کردن عادات خوب کاری دشوار است، زندگی سپری کردن با این عادات کاری آسان و راحت بخش میباشد، و برعکس انجام دادن عادات بد کاری آسان است، اما زندگی با این عادات دشوار است.

در واقع هر کاری را که می کنید نتیجه یک عادت است، نحوه گفتگو، کار، رانندگی، تفکر و سایر کار ها معمولاً از روی عادت انجام داده می شود، در همه بخش های زندگی عکس العمل شما در مقابل یک ماجرا همان تجربه های است که از زمان کودکی فرا گرفتید، در حدود ۹۵٪ حرکات و اعمال شما ناخودآگاه است، بزرگترین مانع برای تبدیل شدن به شخصی که می خواهید باشید عاداتهای شما است. اگر می خواهید بسیار موفق باشید، باید برخی از عادت های خود را کنار بگذارید، مثلاً: دیر از خواب بیدار شدن، از کوشش و زحمت کشیدن گریز کردن، در

هر کار تنبلی کردن، به زودی نه گرفتن تصمیم، غیر مستقل مزاج بودن یعنی وابسته به دیگران، همچنان استعمال زیاد موبایل و دیدن تلویزیون و غیره. پس برای موفق شدن به جای این عادات باید عادات خوب را انجام دهید؛ به نظر ما افراد موفق عادت های خوبی ذکر شده طبق ذیل را دارند، پس اگر می خواهید موفق باشید باید این عادت ها را داشته باشید.

آموختن و ترک کردن عادات:

شرایط زندگی، موفقیت ها و ناکامی ها در امور زندگی ما نتیجه عادت های ما است، این خوشبختی بزرگ ما است که می توانیم عادت هایی را بیاموزیم و یا آنها را ترک کنیم، مهم ترین عادت ها، عادت فکر کردن است، وقتی انسان به عادت فکر کردن غلبه پیدا میکند، گویا بسیاری از منزل را در راه "تربیت نفس" طی کرده باشد، زمانیکه انسان در مورد چیزی بیشتر فکر میکند، یا عملی را بارها انجام میدهد، در نتیجه آن عادت در او ایجاد میشود. بعد از مدتی این کار در ضمیر و نفس انسان نهفته میشود، و سپس به صورت ناخودآگاه هر وقت از سوی او به انجام میرسد.

خبر خوب این است که همه عادت ها آموخته می شوند و همچنان می توان آنها را از بین برد (ترک کنیم). بنا این قانون، وقتی یک فکر یا عملی بارها تکرار می شود، به یک عادت تبدیل می شود، پس امکان دارد که هر عادت را یاد بگیرید، معمولاً ۲۱ تا ۴۰ روز طول می کشد تا یک عمل جدید را عادت کنیم.

انسان اساساً مجموعه ای از عادات است چه خوب یا بد، عادت های خوب موفقیت را تضمین میکنند، در حالی که عادت های بد منجر به شکست می شوند، برای موفقیت لازم است که عادت های بدی را که منجر به ناکامی و شکست می شوند را کنار بگذارید و عادت های خوبی که منجر به موفقیت می شود را پیش بگیرید. مهم این است که ابتدا عادت های بدی را که مانع رشد و موفقیت شما هستند و می خواهید آن را از بین ببرید شناسایی کرده آنها را ترک کنید. سپس یک لیست از عادات مثبت و خوب تهیه کنید که به موفقیت شما کمک می کند و آن عمل کنید.

صداقت:

محقق معروف و مشهور، دکتر توماس استنلی صداقت را در خط مقدم موفقیت نامگذاری می کند، یعنی صداقت بزرگترین عامل موفقیت، به ویژه موفقیت مالی است.

صداقت به معنای آن است که هرگز بیش از سهم خود را به راه های غیر قانونی و غیر شرعی حاصل ننمایید، و هرگز چیزی را که برای آن زحمت نکشیده اید نپذیرید. و بنیاد بد دیانتی (عدم صداقت) دروغ است.

مومن هرگز نمی تواند دروغگو باشد، این نه تنها گناه بزرگی است بلکه معایب و نواقص بسیار دیگری نیز دارد، همچنان این مسئله صداقت کامل فرد را زیر سوال می برد، اگر فردی در یک قسمت از زندگی دروغ بگوید، مسئله این است که برای پوشاندن یک دروغ باید بسیاری از دروغ ها را گفت اما دروغ هرگز پنهان نمی ماند و هرگاه مردم بدانند، پس همه اعمال آن فرد مشکوک می شود.

عاجزی و فروتنی (منکسر المزاجی):

فروتنی یکی از رمزهای موفقیت در زندگی است، این بدان معنی است که خیلی از کارها را انجام داده باشید و همچنان صلاحیت انجام دادن بسیاری از کارها را داشته باشید، اما لازم نمی دانید آن را بیان کنید، این مهم است زیرا اگر بدانید چه کاری می توانید انجام دهید، مغرور می شوید، و این کار منجر به این می شود که دیگران را کمتر و ضعیف تر از خود تصور کنید، شخص متکبر نزد خداوند جل جلاله ناپسند است.

فروتنی معکوس غرور و تکبر است، عاجزی سبب موفقیت انسان می شود.

صبر:

صبر همچنان از خوبی های مهم افراد موفق است. وقتی صبور باشید همه چیز به سرعت سراغتان می آید، صبر به این معنا نیست که شما با چشمان و دست

های بسته، امیدوار نشسته باشید بلکه انتظار با مقصد باشد، این انتظار و صبر باید شامل جمع آوری معلومات و برنامه ریزی مناسب باشد، اگر صابر نباشید و در هر مورد مظاهره بی تابی کنید، یقیناً که ناکام خواهید شد.

غرور، حرص و طمع بزرگترین علت بی صبری است. همه می خواهند به سرعت موفق شوند، اما موفقیت نیاز به صبر دارد، بی صبری اغلب منجر به اشتباهات بزرگی می شود.

شکر کردن:

افلاطون یک بار گفتند " وقتی احساس شکرگزاری می کنید، بزرگ می شوید و در نهایت به چیزهای بزرگی می رسید. اندیشمند دیگری گفته است: شکرگزاری مادر خوبی ها است، شکر کردن نه تنها مادر خوبی، بلکه مادر تمام فوائد می باشد. افراد موفق و خوشحال از این واقعیت به خوبی آگاه هستند، بنابراین، تقریباً همه افراد موفق نه تنها از مردم عادی سپاسگزاری میکنند، بلکه از نعمت هایی که خداوند متعال به آنها عطاء نموده بسیار سپاسگزارند. یک اصل مهم کائنات قانون جذب است، طبق این قانون، در مورد چیزهایی که به خاطر آن از پروردگار خود شکرگزار هستید، چیزهای خوب بیشتری به دست می آورید، این یک قانون جهانی است که هرگز غلط ثابت نمی شود، اگر نا شکر و نا سپاس شوید طبق قانون فطرت هیچ چیزی نخواهید به دست آورد.

شجاع باشید:

کامیابی و پذیرفتن خطر دو امر لازم و ملزوم هستند. هیچ موفقیت چشمگیری بدون پذیرفتن خطر به دست نمی آید، اگر می خواهید به موفقیت بزرگی برسید باید شجاع باشید. هیچ کس بدون ترس و خوف شجاع نمی شود، شجاعت زمانی ثابت می شود که ترس داشته باشید، اما با وجود آن در مورد یک کار اقدام عملی می کنید.

شجاعت را بیاموزید اما احمق نباشید، تفاوت حماقت و شجاعت در این است که در شجاعت، ما به خوبی به وضعیت نگاه می کنیم، تمام اطلاعات را جمع

آوری کرده سپس علی رغم ترس و این که در آینده مشکلاتی وجود دارد، اقدامات عملی را انجام می دهیم؛ اما حماقت این است که بدون درک حالت و آمادگی در مورد یک امر کور کورانه عملی اقدام صورت بگیرد. تفاوت دوم این است که احمق خطر را نمی داند در حالی که مرد شجاع در مورد خطر که شاید در آینده پیش آید، آگاهی کامل داشته می باشد، اما هنوز هم تصمیم به انجام کار می گیرد.

قدر دان باشید:

برای کامیابی بزرگ لازم است که یک فرد از صلاحیت های رهبری خوبی برخوردار باشد. یک رهبر موفق علناً از دیگران تعریف و تمجید می کند، ذات انسان است که تعریف و ستایش را دوست دارد. در اکثر اوقات مان در مورد تعریف و بیان کردن خوبی دیگران از بخل کار میگیریم، ما معمولاً کار خوبی دیگران را بخاطری تحسین نمی کنیم زیرا تصور ما این می باشد که طرف مقابل ممکن فکر کند منظور ما چیزی است، یا شاید از ایشان چیزی طلب کنیم. علاوه بر این، به نسل آینده چنین تربیت و آموزش داده شده، که تمرکز آنها نسبت بر نقاط مثبت همیشه بر نقاط منفی می باشد.

ابتدأً جانب مقابل را درک کنید، سپس برای آن توضیح

دهید:

برای موفقیت مهم است که ابتدا باید شخص مقابل را درک کنید، یعنی با دقت به دیدگاه آنها گوش دهید و به خوبی آنها بدانید، یعنی بگذارید طرف مقابل متوجه شود که دیدگاه وی درک می شود، پس از ایجاد چنین وضعیت، جانب مقابل احساس مسئولیت را میکند، و به حرف های شما گوش خواهد داد، در غیر این صورت احساس می کند که شما فقط علاقه مند به توضیح و ترغیب نظر خود هستید، و به هیچ وجه به نظر و دیدگاه دیگران قائل احترام نمی باشید، این یک مسئله بسیار مهم در معاملات انسانی است؛ در غیر آن، وجود استقامت و پایداری در یک رابطه ممکن نیست.

چگونه می توانید به فردی که بدون شنیدن مشکل شما درباره حل آن صحبت

می کند اعتماد کنید؟ پس سعی کنید که اول تمام ابعاد یک معزله را درک کنید بعداً در مورد آن چیزی بگویید.

روند آموختن و آموزش و تلاش متداوم:

روند درس و تدریس یا به عبارت دیگر آموختن و آموزش به پایان نمی رسد و نباید پایان یابد، این نیز آموزه دین ماست که از گهواره تا گور باید بیاموزیم. به هر صورت، حکمت و دانایی میراث از دست داده مومن است، هر جای که آنرا دریافت بلافاصله آنرا حاصل کند.

در دنیا دو نوع مشکل وجود دارد، یکی مشکلی آموختن و تعلیم، دیگری درد جهل و ندامت. فردی که رنج نوع اول را تحمل می کند از رنج نوع دوم نجات می یابد، هر فرد موفق داستانی درد ناک دارد و هر داستان دردناکی به موفقیت انجام می شود. بنابراین، عادت کردن به تحمل رنج، اولین قدم برای موفقیت است، این تصور غلط که نمی توانم کاری انجام دهم باید از ذهن حذف شود، اگر با عزم محکم و عقیده راسخ تلاش خود را ادامه دهید، ضرور موفق خواهید شد.

نکته ای که باید به خاطر داشته باشید این است که جستجو برای رسیدن به موفقیت را متوقف نکنید، هنگامی که سفر جستجو و کوشش متوقف می شود، پیشرفت و رسیدن به رفاه نا تقریباً نا ممکن می باشد، وقتی سلسله درس و تدریس متوقف می شود، پیشرفت نا ممکن می شود.

موفقیت و پیشرفت به ادامه جستجو بستگی دارد، در حدیث شریف ذکر

شده:

﴿سَتَقِيمُوا تَفْلِحُوا﴾ [سند احمد: ۵/ ۲۸۰]

“یعنی استقامت منجر به موفقیت می شود”

علم و فن مربوط به اشخاص و یا کدام قبیله و گروه محدود نیست. جوینده و طلب گار علم آن را می آموزد نه اینکه هر که صاحب پول باشد، اگر آرزو و تشنگی واقعی برای آموختن علم دارید، هیچ قدرتی در دنیا نمی تواند شما را از کسب دانش باز دارد -


حتی با منابع محدود می توانید تحصیل خود را ادامه دهید، کمبود منابع و در دسترس نبودن محض بهانه است.

تغییر مثبت با شرایط و اوضاع:

علم و دانش نور متفاوت را در انسان ایجاد می کند و این نور تغییر مثبتی در انسان به وجود می آورد، در حقیقت همین تفاوت بین دانشمند و تحصیل کرده و یک فرد نادان است، اما تعلیمی که کردار و شیوه زندگی را تغییر ندهد در واقع جهل است.

در دنیا دو نوع انسان وجود دارد و زیست میکنند:

کسانی که هرگز تغییر را نمی پذیرند، آنها ترقی هم نمی کنند. 

اما افرادی که با گذشت زمان، زمان، شرایط و سن، تغییرات مثبتی در خود ایجاد می کنند، شخصاً خود شان، نگرش و نظریه شان، لباس و سکنات، حرکات، وضعیت و طرز گفتار شان تغییر میکند، بدون شک که ترقی مقدر همین افراد است. 

پس گفته می توانیم که یک دانشمند و دانشجو فقط افراد جامعه نیستند، بلکه یک ملت و یک نسل کامل هستند.

از برکت همین افراد شخصیت سازی و اصلاح خانواده، مردم مناطق، ملت، و اقوام گام به گام و مرحله به مرحله ممکن است. یک شخص می تواند در نتیجه اخلاق حسنه، شخصیت خوب و فکر عمیق خود به رهبر تبدیل شود، عمر رضی الله عنه فرمودند:

﴿تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَتَعَلَّمُوا لِلْعِلْمِ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ﴾

“علم را بیاموزید و همچنین وقار و عظمت را برای علم نیز بیاموزید”

حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: “علم بیشتر کسب کنید تا رهبر شوید، و همچنان برای رهبر شدن باید سخاوتمند باشید، زیرا شخصی که دانش و سخاوت داشته باشد رهبر می شود.”

نیت همدلی و همکاری با دیگران:

قصد موفقیت را داشته باشید و همچنان با خود نیت کنید که در این رحمتی که خداوند به شما هدیه نموده، مثلاً: علم و دانش، مال و دولت، صلاحیت و توانای دیگران را نیز شریک سازید، و آغاز به خدمت مخلوقات خداوند کنید، پس خواهید دید که چگونه خداوند مسیر های را برای موفقیت شما ایجاد میکند. استادی به شاگرد و مرید خود گفت: "اگر می خواهی رزق و روزی خود را زیاد کنی، باید کاری انجام دهی تا بتوانی رزق و غذا خود را بشویی و بخوری." مرید گفت: ما همین کار را انجام می دهیم، مثلاً سبزیجات، میوه ها و غیره را می شویم و می خوریم. بزرگ گفت: رزق و روزی وقتی شستشو (پاک) می شود، وقتی که آن را با دیگران تقسیم کنید، و به دیگران صدقه دهید.

فاجعه امروز ما این است که هر بنده برای خودش زندگی می کند و ثروت را جمع آوری دارد، هر کس برای خودش زندگی می کند، مهم این است که انسان یادبگیرد تا برای دیگران زندگی کند (با دیگران کمک کند). این یک صفت نبوی است:

﴿ اَنَا قَاسِمٌ وَاللَّهُ يُعْطِينِي ﴾

خداوند بخشنده است و من توزیع کننده هستم.

برای دیگران وقت دهید، برای رفاه و خوشحالی دیگران کارکنید، و برای مشکلات آنها تا حدالوسع راه های حل تلاش کنید، سپس در زندگی شما انقلاب برپا می شود، کسی که برای خودش زندگی می کند هرگز نمی تواند پیشرفت کند زیرا خودخواه می باشد. و برای رسیدن به کامیابی لازم است که خودخواهی باید کنار گذاشته شود.

این اولین قدم برای موفقیت است که کسانی که رزق، مال، علم و خدمات خود را با دیگران شریک می سازد، یا اینکه به خدمت دیگران می پردازد، بیشتر پیروز و موفق می باشد. این یک اصل جهانی است که راه های بیشتری برای کسانی که دیگران را از خدمت خود سودمند میسازند، راه های موفقیت برای آنها باز می شود.

از دعا های نیک بزرگان مستفید شوید:

بدون شک که با افراد موفق دعا های بزرگان، اساتید و والدین میباشد، در دعا های والدین و معلمین، خداوند متعال چنان قدرتی را قرار داده است که راه های غلط را نیز درست میکند، بنابراین باید از آنها خواهش کنید که برای شما دعا کنند، در عین حال، ادب، احترام و خدمات آنها باید به گونه ای انجام شود که والدین، معلمان و بزرگان در دعا های نیک شان شما را فراموش نکنند.

راز موفقیت در دو چیز است. اول: خدمت اساتید، و دوهم: دعا. مودب بدون کمال است، خیلی از افراد لایق هستند، که ادب ندارند و دعا های نیک اساتید با آنها نیست، بدون شک که در زندگی شان نا موفق هستند.

اعتماد به نفس و یقین کامل:

ذهین و هوشمند بودن برای رسیدن به موفقیت مهم نیست، به اندازه ای که اعتماد به نفس و یقین ضروری است.

اعتماد به نفس این معنی را دارد که انسان ذهناً آماده میشود تا کاری را انجام دهد. اعتماد به نفس فرد را به پیشرفت می دهد و او را به اوج موفقیت می رساند، گفته می شود معلول کسی نیست که دست و پا نداشته باشد، بلکه معلول کسی است که دست و پا داشته باشد اما قادر به انجام کاری نباشد، زیرا این افراد اعتماد به نفس شان را از دست داده اند، و در نتیجه مردم ناکام و شکست خورده هستند.

اعتماد به نفس و اولو العزم بودن از خصوصیات اساسی برای رسیدن به کامیابی است. اگر یک فرد اعتماد به نفس، عزم راسخ و کمال داشته باشد می تواند از سخت ترین قُله نیز عبور کند. تجربه نشان داده است کسانی که زیاد نمی خواندن و اهل مطالعه بسیار نبودند اما اعتماد به نفس شان بالا بود، در حالی موفق شدند که، کسانی که باسواد بودند اما در کار تنبلی می کردند، یا بی اعتماد بودند، در حال حاضر بی نا مراد در حالی زندگی میکنند که هیچ کس آنها را نمی شناسد.

اما افسوس که امروز کسی نیست که انگیزه ایجاد کند، کسی نیست که بتواند دیگران را راهنمایی کند، در حالیکه افراد زیادی هستند که دلسرد کننده باشند و ناامیدی ایجاد کنند.

دانشمند مشهور "توماس ادیسون" در کوکی از لحاظ درس تنبل بود، روزی از مکتب به خانه آمد، معلم نامه مهر شده به مادرش فرستاد و از ادیسون خواست که آن را به مادرش بدهد، وقتی مادر او نامه را باز کرد، معلم نوشته بود که پسرش بسیار تنبل و نا کاره است، دیگر نمی توانیم آن را در مکتب نگه داریم، از چشمان مادر او اشک می ریخت، سپس برای تشویق پسرش نامه را با صدای بلند خواند: "پسر شما نابغه و یک جوهر گرانقدر است، این مدرسه برای او خیلی کوچک است، معلمان این مکتب هم خوب نیستند، پس خودتان آن را آموزش دهید یا او را به مدرسه خوبی بفرستید"

توماس ادیسون در کتابچه خاطرات خود نوشت که توماس ادیسون در حقیقت يك كودك عقب مانده ذهنی بود اما، يك مادری بزرگ او را به بزرگترین دانشمند، موجد و مخترع قرن تبدیل کرد. سپس این دانشمند لامپ (چراغ) را اختراع کرد؛ که برای آن بیش از ۹۰۰ آزمایش ناموفق انجام داد، می گوید هر با شکست انگیزه جدیدی به او می داد تا اینکه موفق شد. امروز از برکت سخت کوشی، همت و جستجو ادیسون این دنیا روشن است، در حقیقت این به دلیل اعتماد دادن از سوی مادر او بود.

اعتماد به نفس به سبب چهار چیز رشد می کند:

- ♣ با افزایش علم و دانش، در رشته و موضوع خود، در باره جهان.
- ♣ با تبدیل شدن به انسان مخلص و راستکار، در حالیکه یک سارق و دروغگو ترس دارند.
- ♣ با درک کردن خود (خود را شناختن).
- ♣ با اعتماد و توکل به خداوند جل جلاله.

موفقیت و ناکامی از یقین آغاز می شوند. یقین رمز موفقیت کامل است. قبل از اینکه برای تلاش چیزی جستجو می کنید، باید باور داشته باشید که می توانید آن را بدست می آورید. آزمایش های مکرر نشان داده است که جایزه اول را "ذهین" نه بلکه "یقین" از آن خود کرده. پس باور کنید که با کمک خداوند متعال می توانید همه کارها را انجام دهید، و می توانید به همه چیز رسیدگی پیدا کنید، در هر کار نیک کمک الله تعالی شامل است، اگر شما هر کاری را انجام می دهید، و در آن یقین کامل به موفقیت خود ندارید، و کوچکترین تردیدی در دل شما در مورد آن کار وجود دارد، آن را انجام ندهید، زیرا مطمئناً شکست خواهید خورد.

راه های حصول اعتماد به نفس:

بسیاری از افراد صرفاً به این دلیل که به موفقیت اعتقاد ندارند، به اهداف خود نمی رسند، تحقیقات بارها نشان داده است که یکی از دلایل اصلی عدم اعتماد بالای موفقیت میباشد، یعنی اعتقاد کامل به موفقیت و توانایی های خود نداشتن. پس از تعیین هدف اطمینان داشته باشید، که می توانید به هدف خود برسید زیرا موفقیت با اعتقاد کامل حاصل می شود.

برای حاصل کردن اطمینان کامل می توان از روش های زیر استفاده کرد:

- هر چیزی که بارها تکرار شود انسان آنرا باور می کند. اگر دروغ بارها و بارها تکرار شود، مردم حتی آن را باور خواهند کرد.
- هیتلر از این روش در آلمان بسیار به گونه موفقیت آمیز استفاده کرد. بنابراین، برای رسیدن به اطمینان کامل، هدف خود را حداقل ۳ بار در روز صبح، ظهر و عصر چند بار با شوق و لحن بلند بخوانید (تمرین کنید). در طول یک ماه اعتماد به نفس کاملی خواهید داشت.
- همیشه به خود بگویید (تکرار کنید) که می توانید به هدف و مقصدتان می رسید. اعتماد به نفس کامل حاصل خواهید کرد.
- اهداف خود را در یک ورق نوشته کنید، و آنرا همیشه در بکس دستی شما با خود داشته باشید. به این ترتیب، هر وقتی که بکس دستی یا جیبی خود را باز کنید، مکرراً اهداف خود را خواهید دید و همچنان اهداف را همیشه در ذهن داشته باشید، به رسیدن موفقیت اطمینان کامل خواهید داشت.

زندگی منظم:

در عصر حاضر، سازمان دهی (نظم آوردن) به یک هنر تبدیل شده است. منظم ساختن نیز یک هنر رسمی میباشد، بنا بر این سازمان دهی خود، وقت خود، خانواده، قوم، شهر، ولسوالی، ولایت، کشور، تجارت، و حزب خود کاری آسان است، اما در حین زمان کار دشوار نیز محسوب می شود. اگر کسی بخواهد منظم باشد، پس بسیار به آسانی این کار را انجام داده می تواند، و اگر نمی خواهید خود یا دیگران را کنید، پس هیچ قدرتی در دنیا، هیچ معلمی، هیچ کتاب و هیچ نهادی نمی تواند که زندگی شما را منظم کند.

یکی سختی نظم و انضباط است و دیگری درد پشیمانی ؛ مثلاً: بعداً بگوئید کاش در دوران تعلیم کوشش می کردم، کاش وقتم را تلف نمی کردم، اما به یاد داشته باشید که تکلیف پشیمانی بسیار درد ناک است. از طرف دیگر، مشکل نظم و انضباط این است که، چگونه صبح زود بیدار شوم، چگونه می توانم فلان کار را انجام دهم، چگونه می توانم تحقیر تکلیف و درد را برای آموزش تحمل کنم، چگونه می توانم وقت شناس باشم، معلوم است کسانی که تکلیف و رنج نظم و انضباط را تحمل میکنند در آینده از درد تحقیر و پشیمانی نجات پیدا می کنند.

کسانی که به اساس یک دیدگاه زیست می کنند، کار های آنها هرج و مرج و آشفته نیست، هر دقیقه و هر لحظه آنها با هم مربوط میباشد، زندگی روزمره آنها مثالی از نظم، ظرافت، سبک و اصول است، مردم با سلیقه خواب، ورزش، خوردن و نوشیدن خویش را خیلی منظم و کنترل نگه می دارند.

نتیجه این که نظم و انضباط نیاز به سازماندهی در موارد مختلف دارد.

خود را منظم کردن:

اولین چیزی که برای موفقیت و خوب بودن یاد آوری شده این است که باید خود را منظم (سازمان دهی) کنید، قشر خود را، شخصیت خود را تنظیم کنید، برنامه ۲۴ ساعته خود را روی یک کاغذ بنویسید و برنامه ای از زمان و وظایف خود را معلوم و به تقسیم اوقات خود عمل کنید.

دوهم زندگی فامیلی خود را تنظیم کنید، سوم زندگی دفتری یا تعلیمی خود را منظم سازید، چهارم روابط خود را با دوستان و مردم نیک آغاز کنید، پنجم سعی کنید که ما تحت (زیر دستان) خود را سازماندهی کنید؛ مثلاً: اگر استاد هستید شاگردان خود را، اگر سرپرست خانواده باشید خورد سالان خانواده را، و اگر رئیس یا مدیر باشید سعی کنید که سازماندهی کارمندان خود را انجام دهید.

نوشتن کتابچه خاطرات:

مقصد اینکه هر کاری که می خواهید انجام دهید، باید در کتابچه خاطرات شما نوشته شود که این برنامه من است. وقتی که کارهای خود را در کتابچه یاد داشت نوشته می کنید پس هر زمان که کتابچه خاطرات را می خوانید، آن را با چشم خود نگاه می کنید و ذهن شما به شما پیام می دهد که باید آن کار را انجام دهید.

کتابچه خاطرات دو نوع است. یکی کوچک، به اندازه جیب که همیشه باید در جیب شما نگه داشته شود که آن شامل یاد داشت های موقت، معلومات، وعده ها، شماره های تلفن همراه نام ها، آدرس ها، مسئولیت ها، یادآوری ها، لوازم ضروری خانگی، شخصی و اداری و غیره است.

هیچ کار و سخنی را دست کم نگیرید. و هرگز به ذهن و حافظه خود اعتماد نکنید که من این چیزها را به یاد می آورم. این کتابچه خاطرات کوچک، یک کتابچه خاطرات محافظ است.

کتابچه دوم که نسبتاً بزرگتر میباشد، در دفتر یا خانه از آن استفاده میشود، که در آن تفصیلات و معلومات ضروری کتابچه کوچک انتقال می یابد، و آن به پنج بخش

تقسیم میشود:

کتابچه بزرگ دارای پنج بخش میباشد، در حصه اول کار های روزمره، در بخش دوم کار های هفته، در حصه سوم کار های که در ماه انجام می شود، در بخش چهارم کار های که سالانه انجام می شود، و در بخش پنجم کار های که در همه زندگی انجام می دهید، ثبت می شود. زمانیکه این همه پلان تحریری همراهی شما باشد، پس برای انجام دادن این کار ها کوشش می کنید، و در نتیجه آن کار را انجام می دهید.

ارزش وقت:

وقت گرانبهارترین سرمایه زندگی بشر است. کسی که وقت را فرصت دانسته ارزش می دهد، آن را به درستی مدیریت، و به درستی از آن استفاده می کند موفق خواهد شد؛ و کسی که وقت خود را ضایع میکند، وقت آن را هدر می دهد.

بیشتر مردم در مورد دانستن ارزش وقت غفلت میکنند. کسانی که به ارزش زمان قائل بودند کارهای بزرگی در دنیا انجام دادند. امام محمد (نُه صد و نُه) کتاب نوشت و یک میلیون و هفتاد هزار شماره مسائل را از قرآن و سنت استنباط کرد. علامه ابن جوزی هیچ هنری را که در مورد آن کتاب نوشته، باقی نگذاشته است. علامه انور شاه کشمیری حتی در دوران بیماری سخت خود، به مطالعه کتاب می پرداخت. حکیم الامت اشرف علی تانوی بیش از هزار کتاب نوشت.

افراد خردمند از وقت خود عاقلانه استفاده می کنند و کارهایی را انجام می دهند که هیچ کس انتظار آن را ندارد. رمز افراد موفق در قائل بودن به ارزش وقت و هوشمندانه استعمال آن است، هر کسی که از این دستور العمل استفاده کند، در مسیری حرکت خواهد کرد که به موفقیت می رسد.

اولین کار باید که انجام داد، تنظیم کردن وقت است، زیرا وقتی که امور زندگی منظم شد، کار های که باید در سال ها انجام شود در طول ماه ها و یا کمتر از آن به راحت انجام می شود.

حکایت است که گفته می شود، یک حیوان دندان های خود را روی سنگ

تیز می کند، روباهی از کنار آن عبور کرده به او گفت: تو هیچ دشمنی نداری، پس چرا دندانهایت را تیز می کنی؟ وی پاسخ داد: "شما درست می گوئید، اما اکنون فرصتی وجود دارد، بنابراین من سلاح (دندان) های خود را تیز می کنم، زیرا وقتی زمان جنگ با دشمن فرا می رسد، کجا چنین فرصتی فراهم می شود؟ و به روبا گفت: اکنون اسلحه های خود را تیز کنید تا در وقت نبرد از وقت صرفه جویی کنید.

امروز در طبیعت مردم تنبل و کاهل شده است. کار امروز را به فردا می گذارند. مقاصد و اهداف زندگی شان مشخص نیست. "وقت دیگر" و "فردا" به یک عادت آنها تبدیل شده، در حالی که کلمه "فردا" از کتاب های افراد خردمند برای همیشه حذف گردیده است. این لفظ فقط در سخنان افراد ناکام و احمق شنیده می شود، به همین دلیل وقت خود را ضائع می کنند، و خجالتی دنیا و آخرت نصیب شان می شود.

تعیین و معلوم کردن هدف:

انسان می تواند اهداف مختلفی در زندگی داشته باشد. به طور مثال: کسی هدف زندگی خود را فقط عبادت پروردگار خود قرار داده است و میگوید که هدف او فقط این است که خداوند را عبادت کند، که آهسته آهسته در نتیجه به فردی زاهد و عابد تبدیل می شود. امکان دارد که شخصی هدف زندگی خود را کسب علم و دانش کرده باشد، هدف زندگی کسی سیاحت می باشد اما از شخصی دیگری خدمت به مخلوق خداوند. شاید کسی هم هدف خود را تبدیل شدن به یک مبلغ بزرگ، معلم، سخنور، تاجر، دکتر یا سیاستمدار بزرگ قرار داده باشد. واقعیت این است که هدف زندگی می تواند هزاران باشد.

وقتی هدف و دیدگاه زندگی خود را تعیین کرد، مهم نیست که باید کدام مقام بلند باشد، پس دیگر هیچ نگاهی به گذشته نکنید، ترس از شکست ها و پشیمانی نداشته باشید، شکست در آغاز منجر به موفقیت می شود.

این یک قاعده طبیعت است کامیابی ها ناکامی ها را حذف می کنند.

بعضی از دانشمندان شکست را اولین قدم به سوی موفقیت می نامند، بنا بر این، بدون توجه به ناکامی ها، فرد باید کار و کوشش خود را برای کامیاب شدن ادامه دهد. بدون شک که چنین افرادی موفق می شوند.

مهمترین نقاط برای کامیابی رویا و دیدگاه (نظریه)، تعیین کردن هدف و تفکر در مورد آن است. فقرا کسانی نیستند که پول در جیب خود ندارند اما فقرا کسانی هستند که رویا، فکر و هدف زندگی ندارند. رویاها، اهداف و تفکر بزرگ خود بخود انسان را تحریک می کند. و هنگامی که رویا و هدف بزرگ می باشد، خداوند قدرت و انرژی انسان را نیز افزایش می دهد. کار های بزرگ با وسائل بزرگ نه، بلکه به علاقه و جذبه بزرگ انجام می شود.

هر انسانی توسط الله تعالی برای هدفی آفریده شده، و به او توانای خاصی اعطاء کرده. امام مالک^ع می فرماید: انسان دو بار در دنیا تولد می شود؛ یکی این که از رحم مادر به دنیا بیاید، دیگری وقتی که او توانای خود را تلاش می کند، و جستجو می کند که برای چه هدفی به دنیا آمده ام.

طبق تحقیقات جدید، هر انسان از استعداد خاصی برخوردار می باشد و توسط آن رشد و ترقی می کند. پس بنده باید تلاش کند و بداند که خداوند متعال چه توانایی را در آن خلق کرده.

همچنان تحقیقات امروز ثابت ساخته که ۳۷ نوع استعداد در میلیارد ها نفر که در دنیا زیست میکنند وجود دارد، که هر شخص یک یا چندی آنرا دارا می باشد.

اگر می خواهید پیشرفت کنید، در زمینه ای کاری کنید که خداوند متعال شما را برای آن ایجاد کرده است، بسیاری از مردم آنچه را که مروج است دنبال می کنند، این کار نباید انجام شود زیرا ترقی و پیشرفت در کدام بخش خاصی نیست بلکه در استعداد است؛ ما به دیگران نگاه می کنیم و رشته ای را انتخاب می کنیم که درست نیست.

نظریه و هدف:

هدف از نظریه "مستقبل بینی" است؛ یعنی تصویری از آئینده که شما می بینید. یعنی ضرور در ذهن خود یک فکری دارید که، آی کاش در مستقبل چنین کاری شود!

همه کارهای بزرگ و مهم در سراسر جهان با یک رویا، فکر و ایده آغاز شده، که در نتیجه اتفاق می افتاده و ادامه خواهد داشت.

هر روز، هر ساعت، هر لحظه فرد با هدف را به سوی هدف او نزدیک می کند. کلمه "نه" در قاموس افراد موفق وجود ندارد. در ذات آنها این نیست که از شکست ها پشیمان شوند، از اشتباهات اشک بریزند و از ناکامی ها نا امید شوند.

او قبل از برداشتن اولین قدم هزار بار فکر می کند اما پس از اقدام حتی یک لحظه را هم تلف نمی کند، تا اینکه موفقیت قدم او را می بوسد. زیرا تعیین هدف رمز موفقیت است، پس اگر شما هم می خواهید موفق باشید، امروز هدف خود را تعیین و روشن کنید، یعنی یک تعریف مشخصی از زندگی داشته باشید، به رسیدن هدف خود باور داشته باشید، از هر لحاظ فکر کنید که باید چه کاری را انجام دهید و از کدام موارد پرهیز کنید.

هر بخشی را با توجه به علاقه خود انتخاب کنید سپس برنامه های کوتاه مدت دراز مدت برای آن تنظیم کنید. سپس، با توجه برای رسیدن به آن هدفی منتخب، سخت کار کنید، به عقب نگاه نکنید تا اینکه هدف خود را به دست آورید، فقط افراد زحمت کش در رسیدن به اهداف خود موفق می شوند، این همان چیزی است که تاریخ و تجربه آنرا ثابت ساخته است.

برنامه ریزی:

هنگامی که هدفی را برای زندگی خود تعیین کردید، باید برای آن برنامه ریزی کنید.

حتی که در این راستا کارهای کوچک باید برنامه ریزی شوند، یک ضرب المثل

مشهور است که:

“کسانی که کار های خود را به اساس برنامه ریزی انجام نمی دهد، در واقع برای ناکامی و شکست خود برنامه ریزی میکند.”

شخصی که برنامه ریزی بهتر را انجام دهید، کار های وی به کوتاه ترین فرصت به اتمام می رسد. ابتدا باید بدانید چه کاری باید انجام دهید؟ مقصد شما چیست؟ برنامه شما چیست؟ چه کار بزرگی را می خواهید انجام دهید؟ روی کدام مقاصد و به کدام مسیر باید کار شود؟

گاهی چنین اتفاق می افتد که در آغاز یک مأموریت، یک اشتیاق وجود داشته می باشد، اما به دلیل برنامه ریزی ضعیف، آن مأموریت و اشتیاق از بین می رود، و اگر برنامه برای آن مناسب باشد، همان مأموریت موفق نیز شده می تواند، برای برنامه های دراز مدت نیاز است که نخست فکر شود، و سپس برنامه ریزی درست انجام داده شود.

مشکل ما این است که ماکار های خود را برنامه ریزی نمی کنیم، به همین دلیل منجر به شکست و ناکامی می شود. اگر همه کارها را با زحمت و برنامه ریزی انجام دهید، کارهای زیادی به زودی به اتمام می رسند، بنابراین از امروز عادت داشته باشید برای هر کار مهم برنامه ریزی کنید.

موفقیت هرگز به طور خودکار حاصل نمی شود، بلکه به برنامه ریزی نیاز دارد و باید برنامه ریزی کنید. بنابراین هنگامی که اهداف خود را تعیین کردید، برای تحقق رویای خود به یک برنامه خوب و عملی نیاز دارید. مانند عساکر (سربازان)، یک طرح جامع تنظیم کنید اما در عین حال برنامه دوم را نیز طرح ریزی کنید تا در صورت عدم موفقیت برنامه اول به دلیل شرایط پیش بینی نشده، به اساس برنامه دوهم پیش بروید. هدف اینکه یک برنامه خوب اساس موفقیت است.

یک برنامه عاقلانه اولین قدم برای موفقیت است. برنامه ریزی خوب به معنی صرفه جویی در وقت میباشد، شما به دلیل برنامه ریزی ده برابر در وقت و تلاش خود

صرفه جویی می کنید. بعد از ترسیم کردن یک طرح جامع، با مرور زمان به اساس شرایط وقت آنرا اصلاح کنید.

برنامه ریزی کلیدی موفقیت است. بدون برنامه ریزی، رویا و هدف شما فقط یک آرزو است.

برنامه ریزی به سه نوع می باشد:

برنامه های دراز مدت:

یعنی برنامه های بیست یا پنجاه ساله. مثلاً: شخصی میگوید تا زمانی که می توانم کار میکنم، بعداً پسرم یا شاگرد من آن را ادامه بدهد، سپس فرزندان آنها. این برنامه ریزی دراز مدت می باشد.

برنامه ریزی میان مدت:

یعنی برنامه ریزی ده، یا پانزده ساله.


برنامه ریزی کوتاه مدت:

یعنی برنامه ریزی، دو، سه یا پنج ساله.

به اعتقاد برخی افراد، بسیاری از افراد کارهای بزرگی را انجام نمی دهند زیرا آنها به این فکر هستند که یک روز مرگ است، و بسیاری از افراد کارهای بزرگی را به خاطری انجام می دهند که آنها تصور این را دارند که باید در اثر کار باید مُرد. فکر کردن به این حد برای کار از نظر خرد خوب و مثبت نیست.

اگر که زندگی بسیار کوتاه است، اما در این زندگی کوتاه افراد موفق، کارنامه های بزرگی انجام می دهند.

سه مرحله برای ترقی و موفقیت وجود دارد:

مرحله اول کار سخت (زحمت کشی) است. اگر بتوانید سه بار صبح، عصر و 

عصر کار کنید، ۳۰ در صد موفق خواهید بود.

اما افسوس که نود در صد مردم جامعه ما تنبل و راحت طلب هستند، اگر

شما امروز دست به کار شوید، از لیست نود در صد مردم تنبل خارج شده و داخل لیست ده در صد مردمی که سخت کار میکنند، می شوید، یعنی در گروه مردمی که واجد شرایط ترقی هستند.

مرحله دوم صداقت است. صداقت ترکیبی از چهار عادت ها است:

(۱) وفا به وعده خود. (۲) متنفر بودن از دروغ.

(۳) قائم بودن به تعهد. (۴) اعتراف به اشتباه خود.

وقتی بعد از سخت کوشی صداقت را بخشی از زندگی خود بگردانید؛ یعنی به قول خود عمل کنید، به هیچ قیمتی دروغ نگویند، برای همیشه به زبان خود پایبند (مقید) باشید، اشتباهات و کاستی ها خود را بپذیرید؛ پس شما صادق خواهید بود، و ۵۰ در صد موفقیت به اساس صداقت حاصل می شود.

مرحله سوم مهارت و استعداد است. مهارت و استعداد شما متبای ۲۰ در صد موفقیت را برای شما فراهم میسازد.

به این اساس شما صد در صد موفق خواهید شد. با کنار گذاشتن ۸۰ درصد فرصت موفقیت که سخت کوشی و صداقت است؛ و تمرکز روی ۲۰ در صد فرصت را که مهارت تشکیل می هد، نمی توان رویای موفقیت را تجربه کرد. مطمئنا این احمقانه است.

ساختن چار چوب و کار گروهی:

برای رسیدن به هدف دو چیز حیثیت اساسی دارند: اول ساختن چار چوب و دوم کار گروهی. چار چوب را بدنه یا کالبد یک هدف نیزمی گویند.

مجموعه عقاید، افکار، فلسفه، اصول، قوانین و سیستم های که شما بر اساس آنها تصمیم می گیرید، یک چارچوب نامیده می شود.

به اساس ترسیم یک چارچوب هدف آسانتر و به زود ترین فرصت حاصل می شود. این چارچوب طرح ریزی شده موفقیت یک سازمان و یا اداره را تضمین می کند،

حتی که آن اداره به الگویی برای دیگران تبدیل می شود.

تجربه نشان داده است که خیانت و عدم صداقت بهترین چارچوب ترسیم شده را از بن می برد، و صداقت و ایمان‌داری چارچوبی ضعیف را نیز به معراج پیشرفت می رساند.

کار گروهی:

کار کردن با همدیگر برای دستیابی به اهداف مشترک را کار گروهی میگویند. پیشرفت همیشه در نتیجه کار کردن با همدیگر حاصل می شود. هماهنگی بین افراد یک اداره، سازمان، شرکت و یا ملت ضامن پیشرفت و توسعه است. این کار گروهی و هماهنگی با تحمل کردن یکدیگر و حوصله مندی به میان می‌آید.

در کار گروهی سه سطح عمده وجود دارد:

✎ افراد سطح بالا، که پالیسی سازان گفته می شوند. حیثیت آنها مانند سر (مغز) انسان است.

✎ افراد سطح متوسط، این افراد پالیسی ترسیم (ساخته) شده را اجرا می کنند، آنها مانند دست و پای انسان هستند، و قدرت اجرایی آن را دارند.

✎ مردم سطح آخر، طبقه کارگر، کارمندان و سایر مردم که در ادارات کار میکنند، مردم عام. این افراد مانند جسم انسان هستند.

همانطور که قلب، مغز، دست ها، پاها، کبد و سایر اعضا در بدن انسان درست صحت مند باشند، بنابراین گفته می شود که یک فرد سالم است. بنا بر این اگر رئیس، مدیر، کارمند و ملازم یک اداره با هم یک نظر و هماهنگی، و دارای یک دیدگاه واحد باشند، توسعه و ترقی اداره مذکور امکان دارد، و فقط در این صورت است که آنها در مقصد و هدف تعیین کرده خود پیروز می شوند.

عادت و ذهنیت مثبت:

تفکر و رفتار مثبت برای موفقیت در هر زمینه نقش اساسی را اداء میکند. اگر می خواهید موفق شوید همیشه مثبت فکر کنید، اگر در مورد موفقیت فکر کنید،

موفق خواهید شد، زیرا اگر انتظار بهترین ها را داشته باشید، بهترین ها را به دست خواهید آورد، شما میتوانید که هر دو ابعاد مثبت و منفی یک قضیه را سنجش کنید، پس به دقت فکر کنید زیرا همانطور که فکر می کنید می شود. چرا نی همیشه خوبتر و مثبت فکر کنید، اگر نمی توانید مثبت فکر کنید، حداقل فکر منفی هم نداشته باشید، همچنان از افکار بد بپرهیزید، زیرا افکار بد زندگی شما را خراب مغشوش می کند.

ویلیام جیمز، روانشناس برجسته آمریکایی یک بار گفت که یکی از بزرگترین کشفیات قرن بیستم این است که ما می توانیم زندگی خود را با تغییر نگرش ذهنی تغییر دهیم. طبق مطالعه دانشگاه هاروارد، نگرشهای مثبت ۸۵٪ موفقیت را به خود اختصاص می دهد، در حالی که ذهانت، تعلیم و تحصیلات ۱۵٪ را در بر میگیرد. در یک نظرسنجی در سال ۱۹۸۲ بیش از ۹۳٪ افراد موفق موفقیت خود را ناشی از نگرش مثبت خود دانسته اند. یک تحقیق ۵۰ ساله درمورد موفقیت نشان داد که کامیابی بیشتر مربوط به وضعیت روانی و نگرش فرد است.

دو شرکت تولید کننده کفش بری بازار یابی نمایندگان خود را به آفریقا فرستادند تا محصولات خود را به بازار در آنجا عرضه کنند. وقتی هر دو نماینده وارد آفریقا شدند، از اینکه اکثریت مردم کفش نپوشیده بودند به تعجب در آمدند؛ نماینده شرکت اولی که نگرش منفی داشت در نامه ای به مسؤل شرکت خود نوشت: "کفش در اینجا فروخته نمی شود زیرا مردم اینجا کفش نمی پوشند." نماینده شرکت دومی که فکر مثبتی داشت، نامه ای بسیار مشتاقانه نوشت: "کفش ها در اینجا بازار خوبی دارند زیرا بیشتر مردم پابرهنه راه می روند."

سفر به موفقیت با یک ذهنیت مثبت آغاز می شود. نگرش و رویه تعیین می کند که تا کجا می توانید در سفر به موفقیت ادامه دهید، رویه مثبت اساس همه دستاوردهای بزرگ جهان محسوب می شود. ذهنیت مثبت بیش از هر چیز دیگری در سفر به موفقیت مهم است؛ حتی مهمتر از دانش، ذهانت، سرمایه، سخت کوشی و

مهارت خلاصه اینکه بیش از هر چیز دیگری. نگرش مثبت موفقیت را تضمین می کند، در حالی که نگرش منفی باعث شکست و ناکامی فرد می شود.

مثبت اندیشی در زندگی خصوصیات اخلاقی بالایی ایجاد می کند و دستیابی به مقصد را آسان می سازد؛ همچنان باعث برکت در ثروت و اولاد می شود، و منجر به رفاه مادی می شود.

از طرف دیگر، نگرش منفی فرد را بیمار روحی میسازد، آتش حسادت را شعله ور می کند، ناامیدی و نفرت در روابط را ایجاد می کند.

در دنیا دو نوع مردم وجود دارد:

یکی کسانی که فکر می کنند یک کار "ممکن" است و دیگری که فکر می کنند یک کار "ناممکن" است. هر کسی که "ناممکن" فکر می کند، در هر ایده و طرح جدید، نقصی مشاهده خواهد کرد و برای پایان دادن به آن ایده رأی می دهد و تلاش خود را کنار می گذارد. اما شخصی که "ممکن" فکر می کند می داند که باید هر ایده و برنامه جدید، یک عده مشکلاتی دارد، اما به این عقیده می باشد که نتیجه آن بهتر و درخشان است، بنابراین از تلاش منصرف نمی شود زیرا همچنین می داند که هر کار در آغاز غیر ممکن به نظر می رسد، او معتقد می باشد که اگرچه ظاهراً یک کار مشکل و دشوار است، اما خداوند متعال راه حلی ایجاد کرده است. تفکر در این مورد صلاحیت های خفیه وی را برای حل مشکلات فعال می کند.

برای داشتن دیدگاه مثبت موارد ذیل ضروری است:

افرادى را که روزمره ملاقات می کنید، بدون در نظر گرفتن شرایط، چیزهای مثبت به آنها بگویید. 🌸

تقریباً هر چیز دو طرف مثبت و منفی دارد. مردم کامیاب در هر شرایط به دنبال نکات مثبت یک قضیه می باشند، در حالی که مردم ناکام در مورد جهات منفی فکر می کنند. هنگام جستجو، به دنبال طلا ما خاک را تصفیه می کنیم، اما در این جا مقصد ما خاک یا گل نیست، بلکه طلا را در خاک 🌸

یافت می کنیم و مقصد ما طلا است.

👉 در هر بدی طرف خوب را پیدا کنید، آن را ضرور پیدا خواهید کرد، به جای مشکلات، نعمت های خداوند متعال را شمار کنید.

👉 به این فکر کنید، اگر دیگران می توانند، چرا من نمی توانم؟ زیرا خداوند هر شخصی را برای موفق شدن آفریده، نه برای شکست و ناکامی.

👉 عادت کنید که کارها را "اکنون" یا بلا فاصله انجام دهید، همیشه با خود بگویید که "اکنون، وزنه هرگز". عادت به تعویق انداختن کار را برای همیشه کنار بگذارید.

😊 با افراد موفق، مشتاق و مثبت اندیش رابطه دوستی قائم کنید.

🌟 دائماً دانش خود را افزایش دهید، کتابهای خوبی بخوانید و در سمینارها شرکت کنید.

💀 به جای فکر انتقادی، باید فکر سازنده اتخاذ و ایجاد کنید.

تصمیم گیری دقیق و بر وقت:

موفقیت به دو عامل مهم بستگی دارد. یکی تصمیم سریع است و دیگری پاییند بودن به آن و بلافاصله به آن تصمیم عمل کردن.

ویژگی اصلی افراد موفق این است که آنها زود تصمیم می گیرند اما دیر تغییر می کنند. برعکس افراد ناکام دیر تصمیم می گیرند اما سریع تغییر می کنند. هر اتفاقی که در زندگی ما رخ می دهد با تصمیم گیری شروع می شود.

افراد ناموفق از ترس تصمیم غلط نمی توانند تصمیمی بگیرند. اما اسبی ضعیف بهتر از نداشتن اسب است. در صورت تصمیم اشتباه شما فقط باید تصمیم دیگری بگیرید تا که تصمیم قبلی جبران شود، و اگر تصمیمی نگیرید بسیاری از مواقع کامیابی را از دست می دهید، و همیشه جمله "کاش چنین کاری را انجام می دادم" را با خود تکرار خواهید کرد.

خاتمه عادت به تعویق انداختن امور:

کامیابی بزرگترین دشمن کامیابی به تعویق انداختن کار است. افراد موفق عادت به تعویق انداختن کارها را ندارند. به دلیل تأخیر، فرد قادر به استفاده از فرصت های زیادی نمی باشد، و مواقع بالقوه زیادی را از دست می دهد.

چگونه عادت به تعویق انداختن را ترک کنیم:

- برای انجام هر کار زمانی تعیین کنید. این یک روش بسیار موثر است.
- اگر کار دشوار یا بزرگ است، آن را به قسمت های کوچکتر تقسیم کنید و روزانه یک قسمت را تکمیل کنید.
- دیدگاه خود را نسبت به کار سخت تغییر دهید، به جای یک مصیبت آنرا به عنوان یک چالش قبول کنید. انشالله شما هر کاری را انجام خواهید داد.
- برای ترک عادت به تعویق انداختن، ابتدا کارهای آسان و سپس دشوار را انجام دهید.
- افراد موفق همه کارها را به تنهایی انجام نمی دهند، به این فکر کنید که آیا شخص دیگری وجود دارد که بتواند این کار را بهتر از شما انجام دهد، پس این کار را توسط او انجام دهید، معمولاً افرادی که کارهای را دوست ندارند نمی توانند آنرا به خوبی انجام دهند.
- بعد از تکمیل موفقانه کار به خود پاداش دهید، پاداشی که دوست دارید. برای دست آورد های کوچک پاداش های ناچیز و برای کارهای بزرگ پاداش های بزرگ در نظر بگیرید. مثلاً خوردن چیز خوب، خریدن کتاب و غیره.
- لیست وظایف را براساس اولویت و اهمیت تهیه کنید. کارهای مهم را ابتدا انجام دهید. یعنی اولویت ها را تعیین کنید.

عادت مطالعه:

رابطه عمیق بین موفقیت و مطالعه وجود دارد. به اساس یک تحقیق در حال حاضر حدود ده میلیون میلیونر در ایالات متحده امریکا زندگی می کنند. طبق یک نظرسنجی، یک آمریکایی عادی سالانه یک کتاب می خواند، اما که یک آمریکایی موفق سالانه ۱۲ تا ۲۴ کتاب را مطالعه می کند. همچنان اکثریت مردم اسرائیل سالانه ۲۰ کتاب را مطالعه می کنند، در حالی که پاکستانی ها به فیصدی خیلی پایین سالانه یک کتاب را می خوانند، و آن هم نا مکمل.

تحقیقات نشان داده است که در کشورهای پیشرفته، رهبران مطالعه می کنند؛ یعنی خوانندگان رهبر می شوند. حداقل هر هفته یا ماهیانه یک کتاب بخوانید، سپس آن را مرور کنید، و نقاط مهمی آنرا یاد داشت بگیرید، و سپس حداقل از یک فرضیه هر کتاب (اگر بیشتر باشد بهتر است) در زندگی واقعی استفاده کنید. اگر شخصی روزانه یک ساعت درس بخواند، در مدت پنج سال در رشته خود متخصص جهانی خواهد بود.

علاوه بر مطالعات تخصصی، زندگی نامه افراد بزرگ را مطالعه کنید. خواندن سوانح مردم کامیاب گام مهمی در جهت رشد فردی است.

افراد بسیار موفق هر ساله ۲۰ کتاب با مقصد رال مطالعه می کنند، اگر فقط ۱۵ دقیقه در روز مطالعه کنید، سالانه ۱۵ کتاب خواهید خواند. برای موفقیت باید حداقل ۳۰ الی ۶۰ دقیقه در روز مطالعه کنید.

یک روزنامه نگار انگلیسی با رهبر یک حزب مهم سیاسی پاکستان مصاحبه کرد؛ او با کمال تعجب متوجه شد که هیچ کتابی در اتاق آن رهبر سیاسی وجود ندارد، وقتی مصاحبه منتشر شد، خبرنگار طنزاً نوشت که فقط یک کتاب در اتاق این رهبر مهم پاکستان وجود داشت و آن هم یک دفترچه تلفن (کتاب راهنما تلفن).

در واقع ما عادت نداریم که کتاب بخوانیم، اگر کدام کتاب چاپ شود در حدود هزار نسخه که آن هم شک است اگر خوانده شود.

اگر می خواهید دانش را افزایش داده و نادانی را ریشه کن کنید، باید با کتاب دوست شوید، باید کتاب خواندن را عادت و عام کنید.

چرا مردم در مجالس غیبت می کنند؟ بزرگترین دلیل امر مذکور این است که مردم حرف درست و ارزشمندی برای گفتن ندارند.

خواندن کتاب بهترین مواردی را برای گفتن و انجام اعمال در جلسه را به شما می دهد.

انواع مطالعه:

بسیاری از انواع مطالعه وجود دارد، که انواع اساسی آن چهار می باشد:

مطالعه کتاب های نصاب:



هر فرد تحصیل کرده این نوع مطالعه را انجام می دهد. مطالعه کتاب های درسی از اساسات سلسله درس و تدریس عصر حاضر است، و سبب کامیاب شدن در امتحانات می شوید، و به اساس آن به شما تقدیر نامه داده می شود. در ممالک پس مانده و در حال توسعه فیصدی این نوع مطالعه ۳۰٪ تخمین شده، در حالی که در کشورهای پیشرفته این میزان در حدود ۱۰۰٪ است یعنی تمام نفوس این ممالک با سواد هستند. اما جالب اینجاست که چنین مطالعه پیشرفت و تقی یک فرد را تضمین نمی کند.

مطالعه ادبیات:



مطالعه ادبیات در درجه دوم است. این شامل هر دو نظم و نثر می باشد. چنین مطالعاتی بیشتر شعر، داستان و رمان را در بر میگیرد. ادبیات دو نوع است. اول ادبیات برای زندگی؛ که عبارت از ادبیات تغیر هدفمند می باشد، یعنی تغییر در ذهن و زندگی مردم، و هدف این تغیرات ایجاد یک تبدیلی مثبت است. نوع دوم، ادبیات برای ادبیات. هدف اصلی این نوع ادبیات سرگرمی ذهنی گفته شده، ادبیات انسان را از تفاوت های ظریف زبان و بیان آگاه می کند، به همین دلیل انسان می تواند به شیوه بهتر اظهار نظر خود را

داشته باشد، ادبیات به طور کلی انقلابی در زندگی خواننده ایجاد نمی کند، اما تمدن و شائستگی را به انسان می آموزد.

مطالعه معلوماتی:

سومین نوع مطالعه، مطالعه کتاب هایی است که دانش فرد، به ویژه دانش عمومی را افزایش می دهد، بنابراین فرد می تواند ارتباطات بسیار خوبی برقرار، و سخنرانی بهتری کند. چنین افراد تقریباً پاسخ هر سوالی را دارند، و می توانند افراد را با دانش خود تحت تأثیر قرار دهند؛ این نوع مطالعه، هر چقدر هم باشد، معمولاً منجر به تغییر در فرد نمی شود و درهای موفقیت و سعادت را باز نمی کند.

مطالعه برای تغییر زندگی:

مهمترین نوع مطالعه، مطالعه ای است که زندگی شما را به طور مثبت تغییر می دهد. و باعث تغییر زندگی افراد و ملت ها می شوند، در این دسته بندی قراین کریم، احادیث مبارکه و سیرت در درجه اول قرار دارند. همچنان خواندن زندگی نامه ای شخصیت ها همچون (حضرت عمر^{رض}، شیخ الہند، امیر تیمور، صلاح الدین ایوبی و شخصیت انقلابی مصر حسن البنا شهید رحمہم اللہ وغیره) مهم است.

مهمترین مطالعه ؛ مطالعه درباره رشته شماست. حداقل یک ساعت در روز در مورد رشته خود بخوانید. روزانه یک ساعت مطالعه به معنای مطالعه یک کتاب در هفته و هفته ای یک کتاب خواندن به معنای خواندن پنجاه کتاب در سال است. وقتی روزانه یک ساعت در رشته خود شروع به مطالعه می کنید، زندگی شما تغییر می کند. از همه مطالعاتی که هیچ تغییر مثبتی در شما ایجاد نمی کنند خودداری کنید. فقط مطالعه ای را که به شما کمک می کند تا به اهداف خود برسید و شما را به سمت موفقیت سوق می کند ادامه دهید.

همیشه یک کتاب یا مجله با خود داشته باشید تا وقت آزاد خود را تلف

نکنید، آنها را در اوقات که فارغ می باشید مطالعه کنید. برای مثال برخی از افراد هوشیار چنین کتاب ها را هنگام انتظار برای اتوبوس، هواپیما و غیره یا هنگام سفر می خوانند؛ بنابراین به جای اتلاف وقت، از آن استفاده می کنند. علاوه بر این یک کتابخانه کوچک برای خود ایجاد، و حداقل ۳٪ از درآمد خود را مصرف چنین کتاب ها کنید؛ این ۳٪ سرمایه گذاری درآمد شما را چند برابر خواهد کرد.

روش مطالعه:

بدترین روش مطالعه یک کتاب غیر داستانی (افسانوی) خواندن آن از یک طرف است، برای استفاده بهتر از چنین کتابی، مطالعه آن باید به چهار قسمت تقسیم شود:

- اول از همه، کتاب را بررسی، و یک مرور سریع کنید:
 - عنوان کتاب بار ها خوانده، فکر کنید که در این کتاب چه را مطالعه می کنید.
 - قبل از مطالعه کتاب، لیست عناوین را مشاهده و نظرات مربوط به کتاب را بخوانید، مطالعه مقدمه خیلی مهم است زیرا در مقدمه معمولاً گفته های نویسنده بیان می شود. غالباً کتاب در مقدمه یا آخرین فصل کتاب خلاصه شده می باشد؛ در این صورت، قبل از خواندن کتاب، مقدمه و فصل آخر را با دقت بخوانید.
 - تمام عناوین فرعی را بخوانید زیرا ایده ای درباره سایر معلومات مهم ارائه می دهند.
 - همه اشکال، رسامی، نقشه ها و تصاویر را با دقت مشاهده کنید، و متوجه این باشید که چگونه با فصل ارتباط دارند.
- از خود بپرسید که از قبل در مورد موضوع کتاب چه می دانید، و بعد از مطالعه توقع دانستن چه چیزی را دارید.
- سطر اول هر پراگراف را به دقت بخوانید، زیرا مقصد آن پراگراف را تشکیل

می دهد.

اکنون کتاب را با تفصیل و جزئیات مطالعه کنید.

بعد از خواندن و اتمام یک فصل، چند دقیقه توقف کنید، و موضوع فصل را به ذهن بیاورید؛ برای یافتن ایده اصلی از خودسوال کنید. مثلاً: مقصد اصلی نویسنده در این فصل چیست؟

پس از اتمام قسمت آخر، کل کتاب را مرور کنید. نکات کلیدی و جالب را دوباره بخوانید. تجدید نظر نقش مهمی در یادگیری و به خاطر سپردن دارد. به کمک این روش معلومات برای مدت طولانی در ذهن شما باقی می ماند.

روابط خوبی برقرار کنید:

یک شخص هر چقدر ذهن یا سخت کوش باشد، نمی تواند به تنهایی موفق شود. موفقیت های بزرگ نتیجه همکاری متقابل و تلاش مشترک است.

شخصی که هیچ دوست خوبی ندارد، یک شخص ناکام است. همه به دوستان خوب نیاز دارند. دوستان خوب نه تنها یاور شما هستند بلکه شما را تشویق برای کار های خوب می کنند. تنها راه داشتن دوستان خوب این است که خودتان دوستان خوبی برای دیگران باشید.

پروفسر دانشگاه هاروارد، دیوید، بعد از تحقیق ۲۵ ساله خود به این نتیجه رسید که دوستان در موفقیت یک شخص نقش مهمی دارند.

راه های ایجاد روابط:

- برای ارتباط با مردم وقت را مخصوص کنید، همیشه با آنها در تماس باشید، یعنی احوالپرسی و تماس خود را فقط به مواقع ضرورت محدود نکنید.
- فرصت هایی برای کمک به دیگران را دریافت کنید، مخصوصاً در مواقعی که آنها ضرورت دارند.
- همیشه خوش و خندان باشید، و از اینکه با مردم روابطی خوبی برقرار کردید

اظهار خوشی کنید، زیرا مردم در جامعه در تلاش دوستانی میباشند که در نگه داشتن روابط پُر جوش باشند.

- به دیگران احترام بگذارید، شما نیز مورد احترام و عزت قرار خواهید گرفت.
- با دوستان خود در موارد کوچک بسیار بحث نکنید.
- همدلی کامل نسبت به افکار و خواسته های دیگران نشان دهید.
- افراد را، اشارتاً یا جداگانه (مخفی) به اشتباهات شان متوجه کنید.
- ضرورت های دیگران را احساس کنید.
- در هر کار خوب دیگران را تشویق کنید، هیچ فرصتی را برای تشویق دیگران از دست ندهید.
- اگر خبر خوبی درباره موفقیت کسی اطلاع می یابید، به او تبریک بگویید.
- فراموش نکنید که از شخصی که لطف خاصی به شما کرده تشکر ی کنید.

انتخاب مربی و رهبر خوب:

همانطور که یک مربی برای رشد و اصلاح معنوی لازم میباید، موفقیت جهانی نیز بدون رهبر و رهنما ناممکن است.

ساده ترین راه برای موفقیت در هر زمینه یافتن یک فرد موفق است که برای شما در مورد کامیابی حیثیت الگو را داشته باشد؛ به باور بعضی از دانشمندان به بارو گرفتن یک مربی خوب اولین قدم برای رسیدن به موفقیت است. با کمک یک مربی می توانید به سرعت موفق شوید؛ به همین دلیل تقریباً همه افراد موفق به تعقیب یک مربی هستند.

مربی در حال در مقامی قرار دارد که آرزوی شماست آنجا برسید. او می داند چه عواملی موثر، و چه عواملی ناکاره است. می تواند بر اساس تجربیات خود به شما بگوید که چه کاری انجام دهید و از چه کارها دوری نمایید، افراد خردمند از تجربیات خود، و افراد ذهین از تجربیات دیگران می آموزند. در حالی که افراد ناموفق از تجربیات خود یا دیگران هیچ درس نمی گیرند.

درانتخاب مربی عجله نکنید. مربی ای دریافت کنید که مشتاق، توانمند، واجد شرایط، به راهنمای شما مایل و در رشته خود متخصص باشد. مرشد باید کسی باشد که از صمیم قلب برای او ارزش قائل باشید. مربی برای شما خود بخود پیدا نمی شود، بلکه باید برای یافتن او تلاش کنید.

مرشد و مربی خود را در حضور مردم ستایش کنید، همیشه در باره شان فکر مثبت داشته باشید، امتیاز موفقیت خود را به آنها توصل دهید و هیچ گاه غیبت او را نکنید.

صحت مندی (سلامتی):

ضرب المثل مشهور است که سلامتی هزار نعمت است.

شاید شما ثروتمندترین فرد جهان باشید، اما اگر آنقدر سالم نباشید که از لطف اندوز شوید، تمام موفقیت شما بی معنی خواهد بود. بدون سلامتی، از بسیاری فضایل محروم میشوید، مثلاً: نمی تواند روزه بگیرد و حج و عمره ادا کند. در دنیا دو نوع

مردم خوشبخت هستند؛ یکی کسانی که از مواد مخدر دور هستند، یعنی سیگار استفاده نمی کنند و الکل نمی نوشند؛ هر دوی این عوامل نه تنها برای سلامتی کلی فرد مضر است بلکه بر روابط شخصی و اجتماعی نیز اثر بد داشته می باشد.

دوم افرادی که ورزش می کنند. مارک توین، طنز نویس مشهور آمریکایی، در مورد سلامتی بسیار جمله خوب نوشته:

“اگر می خواهید سالم و صحت مند باشید، در غذا های تان از چیزهایی استفاده کنید که نمی خواهید بخورید مانند سبزیجات؛ و کارهایی را انجام دهید که نمی خواهید او را انجام دهید مانند ورزش”

غذا (خوراک) متوازن:

داشتن یک رژیم غذایی متعادل برای سلامتی بسیار مهم است. از غذا های استفاده کنید که دارای پروتئین (لحمیات، تخم، شیر، گوشت ماهی وغیره)، کاربوهایدرید (نشایسته، بوره، شکر، عسل، آرد، خرما و غیره)، شحمیات (روغن، تیل، پنیر، ملائی و غیره) باشند.

به اساس فرهنگ ما اکثریت مردم همیشه برای صبحانه یک چیز می خورند، از لحاظ طب کاری خوبی نیست، غذا باید متنوع خورده شود، به خصوص صبحانه همیشه نباید یکسان، بلکه باید قابل تعویض باشد.

تحقیقات نشان داده است کودکانی که صبحانه کامل (بهتر) می خورند در مکتب نتیجه بهتری دارند در مقابل کودکانی که صبحانه نمی خورند و مدرسه می روند و از غذا های غیر معیاری استفاده می کنند علاوه بر نتیجه ضعیف از بیماری های مختلف رنج می برند.

متخصصان معتقدند که باید زیاد آب استفاده کنیم، حداقل ده گیلاس آب در روز نوشیده شود. نوشیدن دو گیلاس آب، به ویژه هنگامی که صبح از خواب بیدار می شوید، درمانی برای بسیاری از بیماری های معده است؛ همیشه قبل از غذا یا در وسط غذا آب بنوشید. استفاده از آب را بلافاصله پس از صرف غذا ترک کنید.

گفته می شود که سه چیز سفید برای صحت و سلامتی مضر است، باید از نمک، بوره و آرد نشایسته به کمترین مقدار استفاده شود.

خواب:

سلامتی علاوه بر ورزش، رژیم متعادل غذایی، پرهیز از مصرف دخانیات به استراحت نیز ضرورت دارد، راحت عبارت از دو چیز است: خواب و تفریح. خواب کافی برای سلامتی ضروری است. خواب شما در هر صورت باید پوره باشد علاوه بر خواب شبانه، قیلوله روزانه پانزده تا بیست دقیقه نیز برای انرژی فرد بسیار مفید میباشد؛ چون انسان را برای فعالیت های شبانه، مثلاً: مطالعه، مجلس و عبادت آماده می سازد، و فرد را کمک می کند تا در زمان کمتری کار های بیشتری انجام دهد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از نماز عشا زود می خوابید و بعد از نیمه شب بیدار می شد. به طور متوسط چهار تا پنج ساعت استراحت می کرد و سپس در طول روز تقریباً یک ساعت قیلوله می کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

﴿قِيلُوْ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْبَلُ ---﴾

“قیلوله کنید، زیرا شیطان قیلوله نمی کند”

در جای دیگر رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

﴿وَبِالْقِيلَوْلَةِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ ---﴾

“و برای قیام اللیل از قیلوله استفاده کنید”

به همین ترتیب صحابه کرام شبانه به طور متوسط چهار تا پنج ساعت می خوابیدند، و در طول روز قیلوله می کردند، این عملکرد تابعین، تبع تابعین و سایر اکابر (بزرگان) ما بوده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

﴿بُرُوكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا ---﴾ [المعجم الكبير لبطراني]

برکت برای امت من در صبح است .

به طور مشابه در جامع ترمذی ذکر شده:

﴿اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا ---﴾

خداوند! در سپیده دم (هنگام صبح) برای امت من برکت عطا فرما.

به همین ترتیب در "مسند احمد" نقل است:

﴿الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ ---﴾

خواب صبحگاهی شما را از رزق و روزی محروم می کند.

با توجه به این احادیث و گفته ها، می توان دریافت که سبب همه اختلافات،

پریشانی ها و نحوست که در خانه های ما وجود دارد، و با وجود ثروت بیشتر نیاز های ما بر آورده نمی شود، بی برکتی است. یکی از بزرگترین وجوهات بی برکتی خوابیدن بعد از نماز فجر گفته شده .

"خانم و سرپرست کدام خانه که صبح می خوابد، سرنوشت آن خانه هم می

خوابد."

نظریه که هست ساعت خواب در روز لازم است درست نیست زیرا وقتی به

زندگی افراد موفق و مشهور نگاه می کنیم، به نظر می رسد که آنها بر خلاف این اصل عمل می کردند. بلی ! داشتن خواب مناسب مهم است زیرا خداوند متعال آن را منبع آرامش قرار داده است.

امروزه همه پزشکان بر این باورند که اگر معیار خواب بهتر باشد حتی چهار

ساعت خواب کافی است، کیفیت خواب باید بهبود یابد، کمیت مهم نیست.

گفته می شود که شب های کسی منظم نباشد، مجال است که کار های روز

او منظم باشد، حال این سوال مطرح میشود که چگونه امکان دارد کم بخوابیم و کیفیت

آن را بهبود بخشید؟ چگونه می توان در مدت زمان کمتری خواب کامل داشت؟ چگونه

می توان شب های خود را منظم کرد؟ چگونه خواب صبح را ترک کنیم؟

با پیروی از این پنج قانون کوچک می توان بر این مسائل پیچیده غلبه کرد:

○ اولین قدم این است که عادت کنید شب ها زود بخوابید.

- دومین نکته این که کاملاً از مواردی که خواب را خراب می کنند مانند مواد مخدر، شکر و بوره، چای، قهوه، سیگار و غیره خودداری کنید.
- در قدم سوم بعد از نیم روز، روزانه نیم یا یک ساعت قیلوله کنید؛ چه خواب کنید یا خیر، اما به نیت قیلوله دراز بکشید.
- مورد چهارم این است که صبح زود بیدار شوید. در این زمان کار کنید؛ زیرا بهترین زمان برای کار است.
- پنجم، برنامه ۲۴ ساعته خود را مدیریت کنید، خود و همسران، فرزندان و کارمندان را نیز منظم و سازماندهی کنید.

ورزش:

یکی از هفت عادت های مشترک افراد بزرگ، مهم، موفق و هدفمند، ورزش است.

و ورزش نه تنها برای صحت جسمانی بلکه برای سلامت روان و ذهن نیز بسیار مفید و ضروری است.

ورزش منظم و مداوم فوائد سبب یک عده فوائد می شود، که قرار ذیل هستند:

- ✎ ورزش عادت و نظام خواب را بهبود می بخشد.
- ✎ ورزش باعث افزایش اعتماد به نفس می شود.
- ✎ ورزش استرس و اضطراب را کاهش می دهد و باعث خلاقیت می شود.
- ✎ ورزش باعث ایجاد ایمنی (افزایش قوت مدافعت) در برابر زخم های داخلی می شود.
- ✎ هنگام ورزش، مشکلات خود را فراموش می کنید.
- ✎ ورزش در بهبود هیكل انسان نقش مهمی اداء می کند.
- ✎ کودکانی که ورزش می کنند نتیجه بهتر علمی دارند.
- ✎ ورزش امراض معده را درمان می کند.

- ✋ ورزش توانایی حل مشکلات را قویتر می کند.
 - 😊 ورزش باعث کاهش وزن می شود.
 - 😞 ورزش از شما در برابر بسیاری از بیماری ها محافظت می کند.
 - 😞 ورزش عمر شما را طولانی می کند.
- متأسفانه بیشتر رهبران مذهبی، سیاسی و روشنفکران ما ورزش نمی کنند.

آرامش و سرگرمی:

اگر از کشمکش ها و نگرانی های زندگی خسته شده اید یا احساس تنهایی و ناراحتی می کنید، هر روز پنج دقیقه تفریح کنید (پیاده روی بهترین تفریح است). بدن را با هم مرتبط کنید، ده نفس عمیق بکشید، چشمان تان را ببندید و چیزی زیبا و راحت بخش را تصور کنید.

سیر تفریحی:

استراحت و تفریح برای سلامتی جسمی و روانی ضروری است. متأسفانه ما نه کار می کنیم نه ورزش و تفریح؛ یک روز هفته را کامل کار نکنید، بلکه استراحت کنید، اما سرگرمی و تفریح نباید خیلی خسته کننده باشد؛ همچنان لازم است که هر سال یک سفر تفریحی دو هفته ای انجام دهید.

قیادت (رهبری)

رهبری عبارت است از مدیریت مواقع، قضایا و افراد و رساندن آنها به یک جایگاه ویژه و مطلوب که از قبل تعیین شده می‌باشد. یعنی رهبری توانایی رهنمای است. توانایی رهبری یعنی توانایی به اشتراک گذاشتن دیدگاه خود با دیگران و تأثیرگذاری بر آنها برای دستیابی به یک هدف مشترک، توانایی رهبری نامیده می‌شود. به همین منظور باید یک تیم (گروه) خوب ساخته شود، و افراد آن صادق باشند، زیرا بدون شورا و تیم رهبریت به تنهایی نمی‌توان به اهداف برسد. یک اداره و سازمان زمانی قدرتمند می‌باشد که دارای چارچوب و تیم قوی باشد، خودتان فکر کنید اگر صداقت، تفاهم، آینده‌نگری، و توانای کار مشترک با تیم، جرأتی برای تحمل، اشتیاق برای حرکت به جلو، و اراده برای حصول هدف در رهبریت وجود نداشته باشد، چگونه امکان دارد که این قافله به منزل مقصود برسد.

یک رهبر خوب حتی در سخت‌ترین شرایط ناامید و تسلیم نمی‌شود، او مهارت و روش بیرون آوردن قایق از گرداب اوضاع را به خوبی می‌داند، در هیچ مورد عجله نمی‌کند، محیط داخلی و خارجی اداره یا حزب را تحت اداره خود قرار می‌دهد. هدف اینکه فقط کسانی در زندگی شخصی و اجتماعی خود موفق هستند که از صلاحیت رهبری برخوردار هستند. نکته خوشایند این است رهبران ساخته می‌شوند، متولد نمی‌شوند. رهبران دارای هوش و توانایی‌های ذهنی عام هستند، اما آنها از توانایی‌های خود به طوری خاص استفاده می‌کنند، این همان عادتی است که یک فرد عادی را به یک رهبر خاص تبدیل می‌کند؛ تعداد بسیار کمی از رهبران و دانشمندان به این عقیده هستند که جوهر رهبریت را نتیجه بخت و طالع خوب می‌دانند.

رهبریت به دو نوع میباشد، اول رهبریت موثر است که شامل اراده و همدلی مردم عام است، مثلاً: رهبری پیامبر صلی الله علیه وسلم. رهبری دوم رهبری است که به اساس آن قدرت و جبر میباشد، چنین رهبری با سقوط قدرت پایان می یابد.

عناصر اساسی رهبری

رهبر باید ویژگی خاصی داشته باشد، که عده از آن قرار ذیل است:

شجاعت غیر متزلزل:

یک رهبر موفق، باید شناخت کامل از خود و حرفه خود، و شجاعت غیر متزلزل داشته باشد، زیرا هیچ پیروانی حاضر نیست که تحت امر رهبری که فاقد اعتماد به نفس و شجاعت است، کار کند.

اعتماد به نفس:

اعتماد به نفس خاصیت اصلی رهبر خوب است. یک رهبر خوب و موفق به خود، توانایی ها و هدف خود اطمینان کامل داشته میباشد، فردی که فاقد اعتماد به نفس است هرگز نمی تواند یک رهبر موفق باشد.

ضبط نفس:

کسی که نمی تواند خودش را کنترل کند، هرگز نمی تواند دیگران را کنترل کند. ضبط نفس به این معناست که فرد باید هر کاری را در وقت آن انجام دهد، خواهددل او بخواهد این کار را انجام دهد یا خیر.

حس عدالت:

بدون احساس حقیقت و عدالت، هیچ رهبر نمی تواند احترام پیروان و کارمندان خود را بدست آورد یا حفظ کند.

قدرت تصمیم گیری:

فردی که قدرت تصمیم‌گیری‌ها را نداشته باشد، نمی‌تواند ماتحت خود را با موفقیت راهنمایی کند؛ یک رهبر خوب دارای قدرت تصمیم‌گیری و قضاوت عالی می‌باشد.

دقت در برنامه‌ها:

یک رهبر موفق باید برای انجام وظیفه برنامه‌ریزی، و سپس آن برنامه‌ریزی را دنبال کند. به هر صورت، رهبر کامیاب به دقت برنامه‌ریزی می‌کند و همیشه به فکر یک برنامه مثبت می‌باشد.

سخت‌کوشی و کار کردن:

یک رهبر موفق باید آماده کار بیشتر از کارمندان خود باشد. اگر یک رهبر بیشتر کار کند و الگوی برای دیگران باشد، پس پیروان آن نیز از او پیروی، و تلاش بیشتری می‌کنند، که به پیشرفت اداره یا سازمان کمک می‌کند.

شخصیت دلپذیر (خوشایند، خوش اخلاق):

هیچ‌کس با شخصیت بی‌پروا و تنبل نمی‌تواند یک رهبر موفق باشد. رهبریت متقاضی عزت و احترام می‌باشد، مردم عزت یک رهبری که اخلاق خوب و شخصیت با وقار نداشته باشد، نمی‌کنند. داشتن ویژگی‌هایی مذکور برای یک شخصیت خوب لازم است:

- نشان‌دهنده ادب، خوش‌اخلاقی و احترام باشد.
- هنگام ملاقات با شخصی، لبخند بر لب داشتن زیرا لبخند بیانگر رویه دوستانه است.
- صحبت کردن کم و بیشتر گوش دادن. دیگران را به گفتگو ترغیب کردن.
- زیاد شکایت و انتقاد نه کردن، اگر لازم باشد انتقاد کنید، پس عجله نکنید، قبل از انتقاد ستایش کنید. اگر لازم بود برای شخصی توضیح دهید، و یا متوجه اشتباهات می‌کنید، پس در جای جداگانه و مخفی این کار را انجام دهید.

- مهربان و شفیق (دلسوز) بودن.
- اعتراف به اشتباهات خود، و عفو و بخشیدن خطاهای دیگران.
- پایبند وعده های خود باشد.
- از مردم تشکر ی کردن، اما از مردم انتظار تشکری را نداشتن.
- رهبر باید قابل اعتماد باشد، تا مردم بتوانند به او اعتماد کنند.
- مخلص و صادق باشد.
- از دیگران مراقبت کردن، و برای آنها به ارزش قائل بودن.
- ابراز همدردی و قدردانی کنید. به این فکر کنید که اگر شخص دیگری با من چنین رفتاری کند چه احساسی خواهم داشت.
- به خود و دیگران احترام بگذارید. شما می توانید با احترام گذاشتن از دیگران عزب کسب کنید.
- با وقار بودن، رهبر نباید کار های بیهوده و ناکاره را انجام دهد.

شخصیت جذاب:

- برای یک شخصیت جذاب مهم است که خود را در برابر صفات منفی محافظت کنید، یک عده صفات منفی قرار ذیل است:
- خارج از نوبت خود صحبت کردن.
- مکرراً در باره خود سخن زدن.
- بدون دعوت مهمان شدن.
- سوالات بی مورد و بیهوده را مطرح کردن.
- خلاف اداب مجلس با هر کسی مخفی صحبت کردن، که برای دیگران آزار دهنده باشد.
- رفتن به خانه دیگران بدون مواقع مناست.
- دیدگاه های دیگران را علنی به چالش کشیدن.
- ابراز افکار و خیالات بیهوده درباره دیگران در مقابل دوستان و کارمندان.

- اختلافات مذهبی یا سیاسی را مکرراً بحث کردن.
- گفتن سخنان کنایه آمیز، برای تحقیر دیگران.
- احساس حسد و کینه.
- ابراز بد اخلاقی، غصه و عصبانیت.
- خود خواه، یعنی همیشه در فکر منافع خود بودن.
- به دیگران بهتان بستن، یا استعمال زبان توهین آمیز.

ابراز همدردی:

یک رهبر موفق باید با پیروان خود دلسوزی قلبی داشته باشد. او آنها و مشکلات آنها را درک کند، در غم های شان شریک شود و خیرخواه واقعی آنها باشد.

همیشه در جستجوی آموختن:

این افراد در هر مرحله به یادگیری (آموختن) ادامه می دهند، به همین منظور همیشه مطالعه می کنند، به صحبت های دیگران گوش می دهند، آنها دائماً دایره استعداد های خود را گسترش و مهارت های خود را ارتقا می دهند تا دانش بیشتری کسب کنند.

خدمات اجتماعی:

خاصیت مهم رهبری خوب این است که تصور شود آنها به خدمت به مردم اختصاص یافته اند، و همیشه آماده خدمت به مردم هستند، آنها همیشه برای بهبود دیگران فکر می کنند.

رویه مثبت:

رویه و نگرش آنها همیشه مثبت، دلگرم، پُر امید و خوش بینانه است. رهبر موفق زود فهم و خوش گمان می باشد، اجازه نمی دهند که ناامیدی و دلسردی مانع خدمت آنها شود، این افراد در بدترین شرایط امید خود را از دست نمی دهند، رهبر همیشه در فکر موفقیت میباشد.

رحم دلی:

مهرورزی، همدلی و مهربانی از ویژگی های اساسی رهبری مردمی است. این افراد از سنگ دلی در فاصله بسیار دور وجود دارند، آنها همدرد، رحم دل و بخشنده هستند، و مردم خود را دوست دارند.

صبر و تحمل:

رهبران موفق در مقابل افراد و استراتژی ها صبر و استقامت نشان می دهند، رهبران موفق علی رغم (با وجود) مشکلات، کمبودها و شکست های ایجاد شده توسط پیروان خود، صبر و شکیبایی خود را از دست نمی دهند. آنها به جای تسلیم به موانع و مزاحمت های موقت، مانند کوه محکم ایستادگی می کنند.

علاقه مند (مشتاق) بودن:

رهبران خوب نه تنها مشتاق دستیابی به اهداف خود اند بلکه توانایی و صلاحیت انتقال این اشتیاق و علاقه مندی را به پیروان خود نیز دارند، بدون علاقه مندی هیچ هدف بزرگی حاصل نمی شود.

استقامت:

برای رهبریت موفق مهم است که تا رسیدن به هدف منتخب تلاش خود را ادامه دهد، بدون ثابت قدمی و مستقل مزاجی نمی توان به هیچ هدفی بزرگی رسید.

تحمل:

بزرگترین قدرت در جهان قوت تحمل است. هیچ رهبری بدون استقامت نمی تواند یک رهبر موفق باشد، باید جوهر تحمل تمام حالات، چیزها و سخنان بد را داشته باشد.

میانه روی:

رهبر باید از لحاظ احساسات و جذبات میانه رو (معتدل) باشد. در همه شرایط چه دشوار یا آرام، نه باید خیلی عصبانی شود، و نه هم بی احساس.

عزت نفس:

رهبر موفق مواظب عزت نفس همکاران و کارگران خود می باشد.

توانای متحرک ساختن:

رهبران خوب کسانی هستند که به دیگران انگیزه و ترغیب می دهند، و آنها را متحرک می سازند. معمولاً دو راه برای متحرک ساختن و سوق دادن مردم وجود دارد: محرکی که معمولاً مورد استفاده قرار می گیرد، ترس است. به عنوان مثال، کارمندان از ترس از دست دادن وظیفه خود کار می کنند. اما این یک محرک منفی است.

بسیاری از افراد برای جوایز، پاداش و اینکه تقدیر شوند کار می کنند، این یک محرک مثبت است. پاداش انواع مختلفی دارد:

- منافع مالی
- احساس تحفظ
- عزت و احترام
- احساس موفقیت
- احساس فخر و سر بلندی
- محبوبیت اجتماعی
- احساس مسؤلیت

○ شناخت (شهرت)

○ ستایش و تقدیر

یک رهبر خوب از نکات فوق الذکر، در ایجاد انگیزه مثبت و متحرک ساختن کارمندان خود استفاده می کند.

اصول اساسی بیان و رفتار خوب (حسن سلوک)

افراد کامیاب کسانی نیستند که دارای مهارت های فنی هستند، بلکه کسانی هستند که رفتار خوب با مردم، صلاحیت های رهبریت، قابلیت انتقال انگیزه به دیگران و توانای بیان را داشته باشند.

سه روش اساسی برای رویه خوب:

همه پیشرفت های، زندگی شخصی و اجتماعی، پیشرفت مالی و درآمدکسب و کار به مهارت برخورد مهربانانه و رویه خوب با مردم بستگی دارد.

اصل: از انتقاد، عیب جویی، شکوه و شکایت اجتناب کنید:

هرچه که بیشتر خواهشمند تعریف هستیم، به همان اندازه از محکوم شدن می ترسیم. مردم را همیشه سرزنش (توبیخ) کردن جز حماقت چیزی نیست، یک فرد هر چقدر گناهکار باشد، از انجام محاسبه فردی خود پرهیز می کند.

اصل: صمیمانه ستایش و تشویق کنید!

مردم به همان اندازه که گرسنه غذا میباشند تشنه ستایش نیز هستند. افرادی هستند که خانواده و ماتحت شان یک روز گرسنه باشند خود را مجرم می دانند، اما آنها خانواده و زیردستان خود را برای روز ها، ماه ها و حتی یک عمر از دلسوزی، ستایش و تشویق محروم کرده اند ولی، حتی احساس جرم و مسؤلیت هم نمی کنند.

اصل: بیدار کردن آرزو (خواهش) در مردم:

تنها یک راه وجود دارد که از شخصی برای اهداف مشترکه کار بیگیرید، اینکه شما آنها تشویق کنید آنچه را که می خواهید انجام دهد. بنا به اصل روانشناسی هر عملی که انجام می دهیم دارای دو محرک است، میل جنسی و میل به رشد (شهرت). بزرگترین آرزوی نوع بشر (انسان) مهم بودن است.

چارلز شواب، صاحب یک شرکت ثروتمند آمریکایی می گوید:

“بزرگترین صلاحیت من این است که برای انجام دادن یک کار زیر دستان و کارمندان خود را تشویق می کنم، طریقه ای که برای تشویق کردن آنها استعمال می کنم، آنان را تعریف و تحسین، و همچنان از ایشان تشکری می کنم.” مقصد اینکه هر کسی که از این روش استفاده کند، دنیا با او خواهد بود، در غیر ان تنها خواهد ماند.

راه های ساختن جایگاه در قلب مردم و مورد علاقه بودن آنها

اصل: دیگران را از صمیم قلب دوست داشته باشید!

یک فرد می تواند با علاقه مندی واقعی به افراد دیگر در طی دو ماه بیشتر دوست شود، از اینکه با مجبور کردن دیگران به علاقه خود در طی دو سال دوست می شود. شخصی که از لحاظ اجتماعی بیشترین آسیب را در دنیا می بیند و به افراد دیگر نیز آسیب می رساند آن است که هیچ علاقه ای به خواهران، برادران و خویشاوندان خود ندارند ؛ و این افراد منشأ شکست بشریت هستند.

اصل: لبخند (خندان بودن)!

هنگام ملاقات با مردم لبخند بزنید. لبخند در اجتماع مانند آتش در جنگل پخش می شود، اگر لبخند بزنید، افراد مقابل شما نیز خوش میباشند، اولین برداشت مردم از شما بنا بر کلمات و سلیقه خوب و همچنان لبخند واقعی اس. لبخند واقعی حتی قلب های انسانان بد را نیز نرم می کند، پیامبر صلی الله علیه وسلم لبخند را صدقه جاریه قرار داده است.

اصل: مردم را با نام های خوب صدا بزنید!

به یاد داشته باشید که برای یک شخص، نام او مهمترین و شیرین ترین صدا برای اوست. بنابراین نام افراد را بدانید، آنها را بخاطر بسپارید، سپس با نهایت احترام آنها را با نام های شان مخاطب قرار دهید.

اصل: شنونده خوبی باشید!

به دیگران فرصت دهید تا در مورد خود (شخصیت خود) صحبت کنند!! توجه به شخصی که با شما صحبت می کند بسیار مهم است، به یاد داشته باشید که مخاطبان شما هزار برابر بیشتر از مشکلات شما به مشکلات، نیازها و شخصیت خود علاقه مند هستند. اگر شنونده با حوصله و دلسوزی به شخص مقابل گوش دهد، در این صورت حتی دل بدترین رقیب و حریف او نیز نرم می شود.

اصل: به صحبت های طرف مقابل علاقه مندی نشان دهید!

برای جلب توجه مردم با دقت به سخنان آنها گوش دهید. . . . مردم را تشویق کنید تا در مورد مشکلات خود صحبت کنند! تنها راه ساختن خانه در قلب یک شخص صحبت در مورد چیزهایی است که آنان بیشتر دوست دارد. باید سعی کنید تا بدانید که شخص مقابل در مورد چه چیزی علاقه دارد و از صحبت کردن در مورد آن راضی است.

اصل: به شخص مقابل اهمیت دهید، و صمیمانه به اهمیت شخصیت آن اعتراف کنید!

قانون مهم روابط انسانی این است که همیشه احساس اهمیت را در شخص مقابل ایجاد کنید، بزرگترین آرزوی ذات انسان ارزش گذاری برای شخصیت اوست. بهترین راه بدست آوردن دل کسی این است که او را متقاعد سازید که شخصیت شما عالی است و از صمیم قلب به آن احترام داریم. به گفته عیسی علیه السلام:

“با دیگران چنان رفتار کنید که انتظار دارید با شما رفتار کنند”

چند اصول برای هم فکر ساختن مردم:

اصل: با بحث و جدال نمی توانید برنده شوید!

همیشه باید از بحث و جدال خودداری کرد، هیچ سوءتفاهمی را نمی توان با بحث و جدال از بین برد، بلکه با، استراتژی، حسن سلوک، تفاهم و با درک دیدگاه حریف می توان آنرا حل کرد. خون با خون نی، بلکه با آب پاک می شود، پس نفرت با نفرت پایان نمی یابد بلکه با عشق آنرا پایان دهید.

اصل: به دیدگاه طرف مقابل احترام بگذارید، به کسی نگویند که اشتباه می کنید:

حتی مکالمه خود را با گفتن این جمله شروع نکنید: "من این را به شما ثابت می کنم" زیرا این یک چالش آشکار است. اگر کسی چیزی را بیان کرد که فکر می کنید اشتباه است، باید آن را اینگونه بگویید "ممکن است در اشتباه باشم" "اگر اشتباه می کنم، شما اصلاح کنید" در این جملات جادوی واقعی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، با خریدار، شوهر، همسر یا مخالف خود بحث نکنید، به او نگویند که اشتباه می کند، او را تحریک به جنگ نکنید. فقط کمی از حکمت کار بگیرید و به او فرصت دهید تا اشتباه خود را بپذیرد.

اصل: اگر اشتباه کردید، بلافاصله اعتراف کنید!

حتی کوچکترین اشتباهی که مرتکب شده اید را اعتراف کنید، تصدیق اشتباه از سوی خود آسانتر از این است که از دیگران در مورد آن چیزی بشنوید، با تصدیق اشتباه خود، رویه و نگرش حریف در مورد شخصیت ما نود و نه در صد تغییر می کند.

اصل: همیشه مکالمه را به روشی دوستانه آغاز کنید!

اگر قلب فردی نسبت به شما پر از دشمنی، عداوت و نفرت باشد، حتی با بهترین منطق دنیا نمی توانید او را هم فکر و هم نظر خود کنید، اما اگر با او رفتاری نرم و دوستانه داشته باشید.

اصل: در ابتدای مکالمه با سخنان شخصی مقابل "بلی" بگویید!

شروع صحبت با مردم را از مواردی که با آنها اختلاف دارید نکنید، بلکه بر آنچه متفق هستید تأکید کنید. در ابتدای صحبت خود، طرف مقابل را وادار به گفتن "بلی" کنید، بنابراین هرچه در ابتدای مجلس شخص مقابل بیشتر "بلی" بگوید، در آخر تمایل بیشتر به پذیرش پیشنهاد داشته خواهد بود.

اصل: تا حد ممکن فرصت صحبت کردن را به شخص مقابل بدهید!

بیشتر مردم وقتی سعی می کنند دیگران را هم فکر خود بسازند، زیاد صحبت می کنند تا آنها را وادار به پذیرش نظر خود سازند، اما این یک فرضیه غلط است، و اصلاً این کار نباید انجام شود، زیرا تا وقتی که او خیالات خود را اظهار نکند، به حرف های شما گوش نخواهد داد، پس با صبر و حوصله به سخنان او گوش فرا دهید، به گفته های او علاقه عمیق نشان دهید و او را تشویق کنید که کاملاً ابراز نظر کند.

اصل: باید در باره افکار و خواسته های دیگران دلسوز باشید:

فرهنگ بحث و جدال را خاتمه دهید، دیگران را خوشحال کنید تا آنها به حرف های شما گوش دهند، بنابراین گفتگوی خود را اینگونه آغاز کنید، "طوری که شما فکر می کنید، حق بجانب هستید" اگر جای شما من باشم، چنین احساسی داشته می بودم، طبق علم روانشناسی، آرزوی بزرگ بشر همدلی با اوست.

اصل: ایده های خود را به گونه تمثیل به نمایش بگذارید!

عصر حاضر زمان دراماتیک است، فقط گفتن حقیقت کافی نیست. حقیقت را باید به روشی شفاف، جالب و نمایشی بیان کرد، در این راستا باید از توانایی تمثیلی خود استفاده کنید. این همان کاری است که در فلم و تلویزیون انجام می دهند، یعنی وقت آن است که گفتار و کردار خود را به طرز خوبی ارائه دهید.

رهبر شوید!

اصول اساسی رهبریت

حالا چند اصول را ذکر می کنیم که احساسات مردم آزوده، و آنها عصبانی نشوند، و همچنان حالات نیز مطابق اهداف ما تغییر کند.

اصل: صحبت خود را با ستایش صمیمانه از طرف مقابل شروع کنید!

این یک واقعیت روانشناسی است که پس از شنیدن ستایش، افراد چیزهای ناخوشایند را به راحتی تحمل می کنند.

اصل: افراد را به اشتباهاتشان غیر مستقیم متوجه کنید!

بسیاری از مردم انتقادات خود را با تعریف و ستایش آغاز می کنند و با یک نکته حساس آنرا پایان می دهند، به گونه ای که به احساسات مردم آسیب نمی رسانند.

اصل: به جای امر، سوال کنید!

در حضور دیگران پیشنهاد دهید حکم نکنید، به این ترتیب افراد می توانند بدون تردید اشتباهات خود را اصلاح کنند.

اصل: شخص مقابل را از خجالتی نجات دهید!

شمار از افراد از کارمندان یا کودکان در حضور دیگران انتقاد میکنند، بدون در نظر داشت این که به خود آنها چقدر آسیب می بینند. بنابراین مهم است که دیگران را از خجالتی خصوصاً در مجالس نجات دهید.

اصل: از دیگران قدر دانی کنید!

حتی از کوچکترین پیشرفت و اصلاح، سخاوتمندانه و صمیمانه قدردانی کنید، زیرا برای تبدیل شدن به یک رهبر مؤثر عملی کردن این اصل بسیار مهم است.

ابو معاویه محمد ایاز درانی

جامعه تبلیغ القرآن یوسف آباد پشاور

اختتام تحریر: ستمبر 2018ء